



الگوی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران

سید علی اکبر میرعمادی^۱

جواد رضازاده^۲

بهروز خدارحمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

چکیده

گزارشگری قسمت‌های عملیاتی یکی از بخش‌های مهم و حیاتی گزارشگری مالی است. این اطلاعات هم برای استفاده‌کنندگان درون سازمانی و هم برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی سودمند است. تاکنون در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی دو رویکرد اصلی و مهم تحت عنوان رویکرد ریسک و بازده و رویکرد مدیریتی مورد توجه محققان و استانداردها قرار گرفته است. هر یک از دو رویکرد مزبور نیز طرفداران و منتقدانی داشته است. با توجه به این انتقادات و ضعف‌ها، الگوهای یاد شده به ویژه در صنعت بانکداری ایران پاسخگوی نیاز استفاده‌کنندگان نیست؛ بنابراین هدف این تحقیق، طراحی و ارائه الگویی برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران با توجه به فضای اقتصادی و نیز شرایط حاکم بر بازار و کسب‌وکار این صنعت است. در پژوهش حاضر از روش نظریه داده بنیاد برای دستیابی به هدف پژوهش استفاده شده است. نمونه‌ها از بین تهیه‌کنندگان، استفاده‌کنندگان و نیز ناظران صنعت بانکداری انتخاب شده است. تعداد نمونه‌ها نیز بر مبنای معیار اشباع نظری محک زده شده است. در نهایت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق منجر به طراحی الگویی شده که در آن نیاز استفاده‌کنندگان به عنوان متغیر علی و گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران به عنوان مقوله مرکزی معرفی شده است. با توجه به شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای و راهبردهای پیشرو، ارتقای سودمندی گزارشگری مالی در صنعت بانکداری به عنوان پیامد الگوی طراحی شده اعلام شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای مناسبی برای استانداردها و مقررندگان به منظور تدوین نحوه افشای اطلاعات قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران باشد.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، صنعت بانکداری ایران، نظریه داده بنیاد.

۱- گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. miremedi.aliakbar@gmail.com

۲- گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول. j.rezazadeh@modares.ac.ir

۳- مرکز مطالعات مدیریت و توسعه فناوری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. bkhoda@modares.ac.ir

۱- مقدمه

تعاریف متفاوتی از گزارشگری قسمت‌ها وجود دارد؛ اما یکی از واضح‌ترین تعاریف توسط روبرتس و همکاران (۲۰۱۰) ارائه گردید: "گزارشگری قسمت‌ها شامل تقسیم‌بندی سازمان به بخش‌ها یا قسمت‌های تشکیل‌دهنده آن و گزارش اطلاعات مالی برای هر یک از این قسمت‌ها است".

اطلاعات قسمت‌های مختلف هم برای استفاده‌کنندگان درون سازمانی و هم برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی سودمند است. استفاده‌کنندگان درون سازمانی از اطلاعات قسمت‌ها برای ارزیابی واحدها و قسمت‌های مختلف کسب‌وکار استفاده می‌کنند. منابع شرکت بر اساس عملکرد قسمت‌ها و رشد بالقوه تخصیص می‌یابد. چنین اطلاعاتی تنها می‌تواند از طریق افشای قسمت‌ها حاصل شود. از سوی دیگر، اطلاعات قسمت‌ها برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی مثل سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران نیز ارزش افزوده ایجاد می‌کند. اطلاعات مزبور برای گروه‌های یاد شده دید بهتری از عایدات آتی، جریان‌ات نقدی آتی و ارزشیابی شرکت فراهم می‌نماید. همچنین گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، از یک سو باعث افزایش کیفیت گزارشگری و سودمندی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود و از سوی دیگر با توجه به وجود هزینه‌های نمایندگی و هزینه‌های رقابتی، مدیران تمایل کمتری برای ارائه گزارش قسمت‌های عملیاتی دارند.

از طرف دیگر، در صنعت بانکداری سپرده‌گذاران یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان منابع مالی هستند. نحوه تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران در گرو کیفیت گزارشگری مالی در انحاء مختلف از جمله روش گزارشگری قسمت‌های عملیاتی می‌باشد. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و بالاخص در ایران در حوزه جغرافیایی گسترده در داخل کشور و بعضاً عرصه بین‌المللی فعالیت می‌نمایند. این خود می‌تواند به عنوان عاملی مهم در تعیین گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکی نقش ایفاء نماید. همچنین اغلب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری فعال در کشور ایران از نوع تجاری بوده و تحت قوانین و مقررات بالادستی از جمله قانون پولی و بانکی کشور و قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در حوزه‌های مختلف بانکداری اعم از بانکداری خرد، بانکداری شرکتی و ... مشغول فعالیت هستند. از این‌رو نحوه گزارشگری اطلاعات قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری بیشتر مورد توجه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی خواهد بود.

بنا بر آنچه بیان گردید، هدف مطالعه حاضر طراحی الگویی برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران است. الگوی مزبور به دنبال ایجاد بیشترین سودمندی اطلاعات حسابداری برای استفاده‌کنندگان درون و برون سازمانی با توجه به متغیرهای مختلف درونی و محیطی است. این تحقیق نگرش‌هایی را برای هیأت‌استانداردهای بین‌المللی حسابداری و سایر مراجع مقررگذار فراهم می‌کند تا از این طریق در خصوص اصلاحات احتمالی در استانداردهای حسابداری، به‌ویژه در ارتباط با سود افشاء شده و افشای سایر اقلام خط و خطوط کاری تصمیم بگیرند.

۲- پیشینه گزارشگری قسمت‌های عملیاتی

پیشینه استانداردگذاری و مقرره‌ای

تاریخچه موضوع گزارشگری بر حسب قسمت‌های مختلف به نیمه دوم قرن بیستم برمی‌گردد. زمانی که بر اساس نیاز تحلیل‌گران مالی و مقررندگان به آن پرداخته شد (پاردال و موریس، ۲۰۱۱). آنها بیان می‌کنند که نیاز برای اطلاعات بر حسب قسمت‌های مختلف از زمانی که تجارت و معاملات شرکت‌ها گسترده شد و خط و مشی‌های بین‌المللی را دنبال نمودند و عملیات آن‌ها پیچیده‌تر شد، مطرح گردید.

برای اولین بار درخواست افشای اطلاعات فروش و عایدات قسمت‌ها در سال ۱۹۶۹ توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا مطرح گردید. کمیسیون بورس و اوراق بهادار شرکت‌ها را ملزم کرد تا اطلاعات خطوط کسب‌وکار خود را در مدارک خود افشاء نمایند. در سال ۱۹۷۰ کمیسیون بورس و اوراق بهادار موضوع افشای اطلاعات قسمت‌ها را از طریق درج در فرم ۱۰-k گسترش داد. چهار سال بعد، برای تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در کمیسیون بورس و اوراق بهادار، گزارش اطلاعات قسمت‌ها بر اساس خطوط کسب‌وکار در گزارش سالیانه الزامی شد (روبرتس و همکاران، ۲۰۱۰). در سال ۱۹۷۶ هیأت استانداردهای حسابداری مالی، بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۴ (گزارشگری مالی برای بخش‌های تجاری یک شرکت تجاری) را منتشر نمود. بیانیه مزبور اولین استاندارد حسابداری آمریکا در خصوص گزارشگری قسمت‌ها است. بر اساس بیانیه یادشده شرکت‌ها ملزم شدند هم اطلاعات قسمت‌های خطوط کسب‌وکار و هم اطلاعات قسمت‌های مناطق جغرافیایی خود را بر اساس رویکرد ریسک و بازده گزارش نمایند. انجمن مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری برخی از معایب بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۴ را ذکر نموده است (استریت و همکاران، ۲۰۰۰). در سال ۱۹۹۷ هیأت استانداردهای حسابداری مالی به ایرادات مطروحه پاسخ داد. هیأت یادشده مقرر نمود اطلاعات تقسیم‌بندی شده بیشتری ارائه شود؛ بنابراین هیأت استانداردهای حسابداری مالی، بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۳۱ (افشای قسمت‌های مختلف یک شرکت تجاری و اطلاعات مرتبط) را جهت ارتقای اطلاعات گزارش شده قسمت‌ها در شرکت‌های فهرست شده در آمریکا منتشر نمود. بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۳۱ بطور کلی رویکردی متفاوت در خصوص تعریف قسمت‌های قابل گزارش در مقایسه با استاندارد قبلی دارد. به موجب مفاد استاندارد اخیر، قسمت‌ها بر اساس دیدگاه مدیریت تعریف می‌شود. به بیان دیگر، شرکت‌ها باید اطلاعات قسمت‌های مختلف خود را بر همان مبنایی که به مدیران اجرایی جهت تصمیم‌گیری گزارش شده است، افشاء نمایند.

اولین استاندارد بین‌المللی حسابداری که شرکت‌ها را ملزم به ارائه عملیات قسمت‌ها بطور جداگانه نمود، استاندارد بین‌المللی شماره ۱۴ (گزارشگری اطلاعات مالی در قسمت‌های مختلف) بود.

در سال ۱۹۸۱ استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۴ منتشر و از اول آگوست سال ۱۹۸۳ لازم‌الاجراء شد. استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۴ شرکت‌های فهرست شده را ملزم نمود تا اطلاعات قسمت‌های

خود را بر مبنای رویکرد ریسک و بازده در دو طبقه ۱) (خطوط کسب‌وکار و ۲) (مناطق جغرافیایی گزارش نمایند؛ اما نگرانی‌های زیادی در رابطه با استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۴ در خصوص اختیارات داده شده به مدیریت برای شناسایی اطلاعات قسمت‌های مهم مورد افشاء وجود دارد (نیکلز و استریت، ۲۰۰۷). چند سال بعد، در سال ۱۹۹۵ کمیسیون استانداردهای بین‌المللی حسابداری، پیش‌نویس ۵۱ را به عنوان تلاشی برای اصلاح استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۴ سال ۱۹۹۱ منتشر نمود و برخی از دغدغه‌های مطرح در مورد آن را برطرف نمود. در همان زمان، کمیسیون استانداردهای بین‌المللی حسابداری مفهوم گزارشگری اطلاعات قسمت‌ها بر اساس رویکرد مدیریتی را معرفی نمود. در سال ۱۹۹۷ کمیسیون استانداردهای بین‌المللی حسابداری استاندارد بین‌المللی حسابداری تجدید ارائه شده شماره ۱۴ که برای شرکت‌های فهرست شده از ابتدای جولای سال ۱۹۹۸ اجرایی می‌شد را منتشر نمود.

با وجود تغییراتی که به موجب استاندارد بین‌المللی حسابداری تجدید ارائه شده شماره ۱۴ در گزارشگری قسمت‌ها اتفاق افتاد، اغلب استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نگران عدم تقارن اطلاعاتی بین آنچه برای مقاصد برون‌سازمانی گزارش می‌گردید با گزارش‌های داخلی جهت ارائه به مدیریت بودند؛ بنابراین در سال ۲۰۰۶ هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۸ را منتشر نمود. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۸ بنایه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۳۱ آمریکا که مربوط به افشای قسمت‌های یک شرکت و اطلاعات مربوط به آن است را شبیه‌سازی نمود.

در سال ۲۰۰۹ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۸ برای تمامی شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را دنبال می‌نمودند الزامی شد. این استاندارد شرکت‌ها را ملزم نمود تا اطلاعات قسمت‌های خود را بر اساس گزارش داخلی که بطور دوره‌ای توسط مدیریت مورد بررسی قرار می‌گیرد افشاء نمایند (یعنی به همان روشی که به تصمیم‌گیرنده ارشد عملیاتی گزارش شده است)؛ بنابراین مهم‌ترین تغییر اخیر در گزارشگری قسمت‌ها بر اساس استانداردهای بین‌المللی حسابداری، تغییر رویکرد ریسک و بازده به رویکرد مدیریتی بوده است.

در خصوص پیشینه گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در ایران، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری با همکاری گروه کارشناسی مدیریت تدوین استانداردها، تلاش‌های گسترده‌ای در زمینه موضوع افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری به عمل آورده است. تلاش‌هایی که حاصل آن در قالب استاندارد حسابداری شماره ۲۵ با عنوان "گزارشگری برحسب قسمت‌های مختلف" تبلور یافته است (امیراصلانی، ۱۳۸۳). با توجه به رویکرد حاکم بر تدوین استانداردهای ملی حسابداری مبنی بر هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مفاد استاندارد حسابداری شماره ۲۵ در ایران به استثنای موارد مصرح در استاندارد مزبور منطبق با مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری تجدید ارائه شده شماره ۱۴ می‌باشد.

در ارتباط با سابقه گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران تا قبل از سال ۱۳۹۴ این مهم بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۲۵ ایران بوده است. در سال ۱۳۹۴، بانک مرکزی بر اساس مجوزهای

قانونی و با هدف هم‌گرایی بیشتر صنعت بانکداری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، صورت‌های مالی نمونه را تدوین و به بانک‌های دولتی، غیردولتی و مؤسسات اعتباری ابلاغ کرد. ابلاغ صورت‌های مالی مزبور و تکلیف صنعت بانکداری به انطباق با آن را می‌توان اولین گام برای تطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تلقی نمود. یادداشت شماره ۶۲ صورت‌های مالی نمونه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مربوط به گزارشگری قسمت‌های عملیاتی با رویکرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری شماره ۸ می‌باشد.

۳- پیشینه مطالعاتی و تحقیقاتی

سابقه علاقه‌مندی محققان به مطالعات در خصوص گزارشگری قسمت‌ها به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. مطالعاتی که توسط کینی (۱۹۷۱) و کولینز (۱۹۷۶) انجام شد از جمله اولین تحقیقات در این زمینه بوده است که بر اهمیت گزارشگری مالی شرکت در قسمت‌های مختلف تأکید می‌کند. یکی دیگر از مطالعات اولیه در رابطه با اهمیت اطلاعات قسمت‌ها در دنیا توسط امانوئل و گری (۱۹۷۷) انجام شده است. آن‌ها بر اهمیت گزارشگری اطلاعات قسمت‌ها تأکید نمودند و بیان داشتند که اگر اطلاعات مربوط به اطلاعات قسمت‌ها اشتباه گزارش شده یا دستکاری شده باشد، هیچ چیز دیگر نمی‌تواند خسارت ناشی از چنین دستکاری را اصلاح کند.

در راستای مباحث امانوئل و گری (۱۹۷۷) در رابطه با نقش افشای اطلاعات قسمت‌ها در ارزشیابی و پیش‌بینی فعالیت‌های شرکت، مطالعات بسیاری شواهد تجربی ارائه نمودند که نشان می‌دهد بهبود گزارشگری قسمت‌ها منجر به بهبود ارزش شرکت می‌شود. برای مثال، احدیت (۱۹۹۳) شواهدی در خصوص اهمیت افشای قسمت‌های جغرافیایی بر ارزش پیش‌بینی فراهم نمودند. سایرین بر اهمیت این موضوع بر ارزشیابی ریسک و بازده تأکید نمودند، "اطلاعات قسمت‌ها ارزیابی عدم اطمینان و ریسک‌های اساسی شرکت در خصوص خطوط اصلی تولید و مناطق جغرافیایی کسب‌وکار، اجزای عملکرد عایدات و اهداف استراتژیک را بهبود می‌دهد و بنابراین آگاهی‌دهندگی میزان عایدات را افزایش می‌دهد" (لئونگ و هورویتز، ۲۰۰۴).

همچنین، هوپ و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند اجرای بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۳۱، ارزشگذاری درآمد داخلی و خارجی را ارتقاء بخشیده است؛ اما سطح بهبود در ارزشیابی عایدات خارجی بیشتر است. برای مثال در آمریکا مشخص شد که بعد از اجرای بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۳۱ کیفیت گزارشگری قسمت‌ها ارتقاء یافته است.

پاسکال و استفن (۲۰۱۵) دریافته‌اند افشای گزارش بخش مختلف از طریق یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی شرکت‌ها درک استفاده‌کنندگان را از مدل‌های تجاری این شرکت‌ها بهبود نمی‌بخشد.

ارزیابی مربوط بودن اطلاعات گزارشگری قسمت‌های عملیاتی بانک‌های دولتی و خصوصی توسط بایرت و همکاران (۲۰۱۷) در کشور هند بررسی شد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، اطلاعات مربوط به عایدات بخش‌ها برای هر دو گروه بانک‌های دولتی و غیردولتی مربوط بوده است. تعداد بخش‌ها نیز مهم و بر روی قیمت سهم تأثیرگذار بوده است.

بر اساس نتایج تحقیق قسان و همکاران (۲۰۱۸) در خصوص مربوط بودن گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، اطلاعات گزارشگری قسمت‌های عملیاتی مربوط بوده و تفاوت در قیمت سهم‌های مختلف را تبیین می‌کند.

برون و همکاران (۲۰۱۹) تأثیر افشای عمومی اجباری بین کشورها در خصوص بانک‌های اتحادیه اروپا بر گزارشگری قسمت‌های مختلف را بررسی کردند. نتایج بیانگر این است که تغییر قابل ملاحظه‌ای در تعداد بخش‌های جغرافیایی افشا شده یا خطوط کسب‌وکار در بعد از الزامی شدن گزارشگری بین کشوری رخ نداده است.

لیزا و همکاران (۲۰۱۹) تعامل بین ویژگی مربوط بودن و قابل مقایسه بودن اطلاعات قسمت‌های عملیاتی را در قبل و بعد از اجرای Aifrs (اتخاذ رویکرد مدیریتی) مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر این است که علیرغم کاهش قابلیت مقایسه اطلاعات بعد اجرای استاندارد جدید، سودمندی اطلاعات قسمت‌های عملیاتی افزایش یافته است.

اثر حاکمیت شرکتی بر افشای اطلاعات قسمت‌های عملیاتی توسط کک سی و همکاران (۲۰۲۱) مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس، دو متغیری که اثر مثبتی بر گزارشگری قسمت‌های عملیاتی داشتند یکی اندازه هیات مدیره و دیگری نسبت اعضای مستقل به کل اعضای هیات مدیره است.

بیو و همکاران (۲۰۲۱) چالش گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در تجزیه و تحلیل مالی صنعت بانکداری مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر این است که بانک‌ها در بکارگیری Aifrs ممکن است تحلیل هزینه - فایده انجام دهند. همچنین این موضوع چالش‌هایی را برای تحلیلگران و سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند زیرا آن‌ها به دنبال پیش‌بینی عایدات و ارزش شرکت هستند. بعلاوه اینکه مدل کسب‌وکار یک بانک با گزارشگری مالی آن و در نهایت ارزش آن مرتبط است.

گرچه در دنیا تعداد تحقیقات زیادی در رابطه با گزارشگری قسمت‌های عملیاتی وجود دارد، اما در ایران به استثنای تحقیق امیراصلانی (۱۳۸۱) تاکنون تحقیق تجربی که در آن به موضوع گزارشگری بر حسب قسمت‌های مختلف مبتنی بر استانداردهای حسابداری بپردازد انجام نشده است؛ بنابراین در تحقیقات تجربی حسابداری داخلی این مهم تاکنون چندان مورد توجه قرار گرفته نشده است. امیراصلانی (۱۳۸۱) از طریق بکارگیری همزمان دو روش‌شناسی مناسب، سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را در ارزیابی ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری تعیین و در عین حال، زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر افشای اینگونه اطلاعات مالی در ایران را نیز شناسایی و معرفی نمود. آزمون فرضیه‌های پژوهش یادشده حکایت از سودمندی و تأثیر قسمت‌های مختلف واحد تجاری در تحلیل‌های سرمایه‌گذاری داشته است. همچنین بولو (۱۳۸۸) بیان می‌کند بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نشان می‌دهد که بیشتر شرکت‌هایی که مشمول گزارشگری برحسب قسمت‌های مختلف بوده‌اند، استاندارد مربوط به آن را رعایت نکرده‌اند و رعایت نکردن استاندارد یاد شده در گزارش‌های

حسابرسی آن‌ها توسط حسابرسان درج نشده است؛ بنابراین گفته می‌شود که رعایت استاندارد ملی حسابداری شماره ۲۵ مورد غفلت و یا فراموشی قرار گرفته است.

الگوهای فعلی در خصوص گزارشگری قسمت‌های عملیاتی

تاکنون در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی دو الگو اصلی و مهم تحت عنوان الگوی ریسک و بازده و الگوی مدیریتی مورد توجه محققان و استانداردهاگذاران قرار گرفته است که هر یک از آن‌ها طرفداران و منتقدانی داشته است.

• الگوی ریسک و بازده

الگوی نخست، الگوی ریسک و بازده می‌باشد. در این الگو، تأکید بر دو مفهوم مهم ریسک و بازده با دو پیش‌فرض می‌باشد. پیش‌فرض اول این که ریسک و بازده نوع خدمات و محصول فرق می‌کند. پیش‌فرض دوم نیز این است که ریسک و بازده مناطق جغرافیایی فرق می‌کند. از آن‌جا که منشاء اصلی مخاطرات بر چگونگی سازماندهی و اداره واحدهای تجاری اثر می‌گذارد، در این الگو ساختار سازمانی و سیستم گزارشگری مالی داخلی واحد تجاری مبنایی برای تشخیص قسمت‌های آن است. مخاطرات و بازده‌های یک واحد تجاری، هر دو تحت تأثیر محل جغرافیایی عملیات و نیز بازارهای آن قرار می‌گیرد.

بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۴ اولین استاندارد حسابداری در خصوص گزارشگری قسمت‌ها است. بر اساس بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۴ شرکت‌ها ملزم شدند هم اطلاعات قسمت‌های خطوط کسب‌وکار و هم اطلاعات قسمت‌های مناطق جغرافیایی خود را بر اساس الگوی ریسک و بازده گزارش نمایند. همچنین بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۴ اقلامی که باید بر اساس خطوط کسب‌وکار و مناطق جغرافیایی افشاء شوند را معرفی نمود.

گرچه الگوی ریسک و بازده، اولین الگوی اتخاذ شده توسط مجامع حرفه‌ای و استانداردهاگذاران دنیا در ارتباط با گزارشگری قسمت‌های عملیاتی بوده و تأثیر شگرفی بر حوزه گزارشگری مالی برای ذینفعان داشته است، اما این الگو همواره با برخی انتقادات مواجه بوده است. در الگوی ریسک و بازده بسیاری از شرکت‌ها از موارد انعطاف‌پذیر استفاده می‌کنند و ممکن است انتظارات موجود در خصوص افشای اطلاعات را برآورده ننمایند. انجمن مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری گزارش داد که بسیاری از شرکت‌ها اطلاعات خود را صرفاً در یک قسمت ارائه کردند، در حالی که باید این اطلاعات در بیش از یک قسمت افشاء می‌شد. همراه با موارد مذکور توسط انجمن مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری، بوستون و استانفورد (۲۰۰۵) دریافتند که شرکت‌ها از انعطاف موجود در الگوی ریسک و بازده برای تجمیع قسمت‌ها به عنوان یک قسمت و پنهان نمودن اطلاعات قسمت‌های سودده استفاده می‌کنند. یکی دیگر از زمینه‌های انتقاد به الگوی ریسک و بازده این است که طبق

الگوی یادشده، اطلاعات کافی برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی به همان نحو که به مدیریت شرکت ارائه می‌شود فراهم نمی‌گردد.

مشابه موارد مذکور توسط انجمن مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری، کمیسیون ویژه گزارشگری مالی وابسته به مؤسسه آمریکایی حسابداران خبره، برخی از معایب الگوی ریسک و بازده را ذکر و چهار زمینه‌ای که باید ارتقاء یابد را بیان می‌دارد. اول، تعداد قسمت‌های مورد گزارش باید افزایش یابد. دوم، اقلام هر قسمت نیز باید افزایش یابد. سوم، قسمت‌های گزارش شده باید با آنچه که به صورت داخلی برای تصمیم‌گیری مدیران گزارش شده است، منطبق باشد. نهایتاً این‌که باید بین یادداشت‌های مربوط به قسمت‌ها و سایر بخش‌های گزارش‌های سالیانه همگنی بیشتری وجود داشته باشد (استریت و همکاران، ۲۰۰۰).

• الگوی مدیریتی (الگوی داخلی)

الگوی دیگر برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، الگوی مدیریتی یا رویکرد داخلی می‌باشد. الگوی مدیریتی، همان‌گونه که هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی بیان می‌دارد؛ شناسایی قسمت‌های عملیاتی بر مبنای گزارش‌های داخلی است که بر آن اساس تصمیم‌گیرنده ارشد عملیاتی به منظور تخصیص منابع به قسمت و ارزیابی عملکرد آن بطور منظم مورد استفاده قرار می‌دهد (هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۱۵). در بخش مفهومی الگوی مدیریتی سه ویژگی مطرح شده است: ۱- فعالیت تجاری‌ای باشد که درآمد و هزینه ایجاد کند. ۲- به طور منظم اطلاعات آن در اختیار مدیر ارشد عملیاتی برای تصمیم‌گیری قرار بگیرد. ۳- اطلاعات جداگانه آن در دسترس باشد (غلامرضایی، ۱۳۹۵). اصل اساسی در الگوی مدیریتی این است که یک واحد باید اطلاعاتی را افشا نماید که از آن طریق استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قادر باشند اثرات مالی خطوط کسب‌وکار که با آن سروکار دارند و محیط اقتصادی که در آن فعالیت می‌نماید را تجزیه و تحلیل کنند (هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۱۵).

هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری اعلام داشت که انتظار می‌رود الگوی مدیریتی در قالب استاندارد جدید مزایایی داشته باشد. همچنین، انتظار می‌رود که الگوی جدید برای شرکت‌ها هزینه کمتری ایجاد نماید زیرا اطلاعات برای استفاده‌کنندگان داخلی تهیه می‌شود. در حالی که در الگوی قبلی شرکت‌ها باید مجموعه گزارش‌های جدیدی در ارتباط با قسمت‌ها فراهم کنند (یعنی یک مجموعه برای استفاده داخلی و دیگری برای گزارشگری برون‌سازمانی).

هدف اصلی این الگو این است که استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی بتوانند عملکرد مالی شرکت را از دیدگاه مدیریت ببینند. در عین حال این الگو قسمت‌های بیشتری را نیز در برگیرد.

اما از سوی دیگر، در خصوص الگوی مدیریتی نیز نگرانی‌های زیادی وجود دارد. برگر و هان (۲۰۰۳) انتقادات زیادی به الگوی مدیریتی برای گزارشگری اطلاعات قسمت‌های عملیاتی دارند. برخی از این انتقادات عبارتند از: عدم وجود تعریف مشخص در خصوص سود، عدم نیاز به رعایت ضوابط اندازه‌گیری طبق اصول پذیرفته شده حسابداری یا استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ارائه ارقام قسمت‌ها، اختیار قابل توجه

در تخصیص هزینه‌های داخلی و دادن فضای بیشتر به مدیریت (تصمیم‌گیرنده ارشد عملیاتی) برای دستکاری اطلاعات قسمت‌ها که منجر به کاهش قابلیت مقایسه اطلاعات قسمت‌ها بین شرکت‌ها در همان صنعت می‌شود.

در الگوی مدیریتی، اعطای اختیار به مدیریت در ارائه اطلاعات بخش‌ها در چارچوبی غیر از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، دغدغه‌هایی را در رابطه با قابلیت پیش‌بینی اطلاعات قسمت‌ها ایجاد نمود (العامری، ۲۰۱۶). به بیان دیگر، شرکت‌ها باید اطلاعات قسمت‌های مختلف خود را بر همان مبنایی که به مدیران اجرایی جهت تصمیم‌گیری گزارش شده است، افشاء نمایند.

همچنین، الگوی جدید به دلیل اختیار دادن به مدیریت مبنی بر اجازه شرکت‌ها به تجمیع قسمت‌ها با شرایط خاص مورد انتقاد است.

بسیاری از مؤسسات حرفه‌ای به الگوی مدیریتی این انتقاد را دارند که این الگو منجر به گزارشگری متفاوت از قسمت‌ها می‌شود، زیرا هر شرکت ساختار داخلی منحصر به فردی دارد. روش گزارشگری داخلی اطلاعات تحت تأثیر بسیاری از عوامل خاص شرکت مثل ساختار سازمانی، نحوه توزیع قدرت و اختیارات، فرهنگ داخلی، فعالیت‌های کسب‌وکار و بهای تاریخی است. پل و لارگی (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که الگوی مدیریتی با عدم قابلیت مقایسه بین شرکت‌ها مورد مصالحه قرار گرفته است.

هوپ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که بعد اجرای الگوی مدیریتی در گزارشگری قسمت‌ها، اغلب شرکت‌های چند ملیتی تصمیم به عدم افشای اقلام عایدات قسمت‌های جغرافیایی گرفتند. مصاحبه‌های انجام شده با ذینفعان مختلف صورت‌های مالی نشان می‌دهد که آن‌ها در رابطه با ناسازگاری بین بخش‌های مذکور در گزارش‌های سالیانه و یادداشت‌های همراه مربوط به قسمت‌ها نگران بودند. همین‌طور، با توجه به لزوم گزارشگری اطلاعات قسمت‌های مختلف به روش مورد ارائه به تصمیم‌گیرنده ارشد عملیاتی، احتمال ایجاد مشکل در رابطه با عدم ثبات و عدم قابلیت مقایسه، هم در سنوات مختلف برای یک شرکت و هم برای شرکت‌های مختلف در صنعت وجود دارد.

علاوه بر این، الگوی مدیریتی در خصوص روش گزارش اطلاعات قسمت‌ها بحث برانگیز بوده است. در الگوی مزبور شرکت‌ها مکلفند اطلاعات قسمت‌ها را به همان نحوی گزارش نمایند که برای مدیریت شرکت ارائه می‌دهند. در موارد بسیاری این گزارش‌های داخلی منطبق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نمی‌باشد؛ بنابراین، انتظار بر این است که استاندارد جدید کیفیت اطلاعات مالی مورد گزارش در خصوص قسمت‌ها را به ویژه در رابطه با اطلاعات عایدات/سود تحت تأثیر قرار دهد.

۴- پرسش‌های تحقیق

با توجه به موارد عنوان شده و اهداف برشمرده شده در این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای سؤالات زیر می‌باشیم:

- آیا الگوی ریسک و بازده و الگوی مدیریتی و یا ترکیب آن‌ها برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران مناسب است؟
- موجبات علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای الگوی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران کدامند؟
- تئوری مناسب برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران چیست؟

لذا با توجه به سؤالات مطروحه، تحقیق حاضر به دنبال ایجاد درکی از وضعیت کنونی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی صنعت بانکداری ایران و در نهایت طراحی الگوی مناسب برای گزارشگری آن و ارائه پیشنهادهایی به مقررندگان در این خصوص است.

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، بنیادی و از لحاظ ماهیت از نوع کیفی است. هدف از این مطالعه شناخت و درک تجارب افراد و تفاسیر آنها در زمینه گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران به منظور دستیابی به نظریه‌ای در این زمینه است. در این پژوهش برای ارائه الگویی برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. علت استفاده از نظریه داده بنیاد جای خالی نظریه مطلوب در زمینه گزارشگری قسمت‌های عملیاتی است. گرچه در رابطه با این موضوع تحقیقاتی صورت پذیرفته است، لیکن همان‌گونه که بیان گردید، به هر یک از رویکردها و الگوهای موجود انتقاداتی جدی وارد است که اجماع تئوریک در این خصوص را با مشکل مواجه نموده است. از طرف دیگر، برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در ایران در ادبیات حسابداری فعلی تئوری و الگویی متناسب با شرایط و اقتضانات کشور وجود ندارد. برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی هم در دنیا و هم در ایران، تاکنون الگویی طراحی و ارائه نشده است. از سوی دیگر، در صنعت بانکداری با توجه به نقش و اهمیت آن در عرصه اقتصادی، ذینفعان متعدد از جمله سپرده‌گذاران و تنوع و تعدد فعالیت‌ها نقش گزارشگری قسمت‌های عملیاتی پررنگ می‌باشد. در این ارتباط نیز نه الگویی تمام عیار در سطح بین‌الملل و نه الگویی داخلی با لحاظ رابطه سپرده‌گذاران با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و فعالیت شبکه بانکی کشور در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا (بهره) وجود ندارد. از این رو در این تحقیق با استفاده از نظریه داده بنیاد به دنبال نظریه‌ای تازه در ارتباط با گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران می‌باشیم.

نظریه داده بنیاد، یکی از راهبردهای کیفی پژوهش به حساب می‌آید که از طریق آن نظریه پردازی بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. این راهبرد پژوهشی بر سه عنصر مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها استوار است. هدف اصلی این نوع نظریه پردازی، تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن مؤلفه‌های اساسی آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این مؤلفه‌ها درون بستر و فرایند آن پدیده است. به عبارت دیگر، هدف آن حرکت از جزء به کل بدون از دست دادن توجه به محور اصلی بررسی است.

در نظریه داده بنیاد، داده‌ها می‌توانند از منابع مختلفی مانند مصاحبه با افراد، مقالات منتشر شده در مجله‌های علمی، سمینارها، همایش‌ها و سخنرانی‌های علمی، گزارش‌های روزنامه‌ای و نیز کتب تألیف شده، تهیه شوند. در این پژوهش، برای شناسایی مؤلفه‌ها و ساخت الگو، از ابزار مصاحبه عمیق و ساختار نیافته با تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بانک‌ها که تجربه و سوابق حرفه‌ای و تخصصی لازم را داشتند استفاده شده است. در مصاحبه‌ها سعی شد تا مصاحبه‌شوندگان به طور غیرمستقیم به بیان تجربیات شخصی و ادراکات ذهنی در زمینه اندازه‌گیری و افشای اطلاعات قسمت‌های عملیاتی سوق داده شوند. در این پژوهش تمامی مصاحبه‌ها به صورت چهره به چهره انجام شد. پس از کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، تمامی مصاحبه‌ها با استفاده از دستگاه MP 3 Player ضبط شدند. سپس متن مصاحبه‌ها به طور کامل تایپ و پیاده‌سازی و در قالب فایل‌های متنی و به صورت دستی تجزیه و تحلیل شد. همچنین، برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از نرم‌افزارهای Word و Excel استفاده شد. در این تحقیق، روش نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری نظری (روش گلوله برفی) است. در این راستا ابتدا چند نفر مصاحبه‌شونده بر اساس تخصص و تجربه انتخاب گردیدند و مصاحبه‌شوندگان بعدی از طریق اعضای سابق نمونه انتخاب شد؛ بنابراین از افراد پرسیده شد که آیا فرد دیگری را برای مصاحبه پیشنهاد می‌کنند. تلاش شد در فرآیند نمونه‌گیری، نمونه‌هایی انتخاب شوند که بیشترین قدرت تبیین و استدلال را فراهم کنند. نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. این پژوهش با مصاحبه با ۱۳ خبره و کدگذاری هم‌زمان مصاحبه‌ها به اشباع نظری رسید.

۶- یافته‌ها

با توجه به ماهیت کیفی روش نظریه داده بنیاد، از روش‌های مربوط به کدگذاری باز برای کشف مقوله‌های توضیح‌دهنده فرآیند گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری، از کدگذاری محوری جهت تعیین مقوله‌های اصلی و روابط بین مؤلفه‌های کشف شده استفاده گردید. همچنین برای طراحی الگوی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی کدگذاری گزینشی مورد استفاده قرار گرفت.

• کدگذاری باز

در مرحله کدگذاری باز جملات اصلی از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید. در این مرحله داده‌ها به طور متناوب و مستمر مورد بازبینی و پالایش قرار گرفتند. سپس بر اساس تشابهات و سنخیت داده‌ها، در فرآیند استقرایی، مجموعه‌ای از داده‌های مشابه حول یک مفهوم گرد آمدند. مفاهیمی که معانی

مشترکی را در خود داشتند در قالب مقوله‌ها که سطحی انتزاعی‌تر نسبت به مفاهیم دارند، سازماندهی شدند. در نهایت، مقوله‌هایی که بار معنایی و محتوایی‌شان از قرابت بیشتری برخوردار بود ذیل طبقه ویژه‌ای قرار داده شدند. در روش نظریه داده بنیاد، تجزیه و تحلیل داده‌ها به معنی مقایسه مستمر داده‌ها با هدف مفهوم‌سازی است. با این توصیف، نحوه رسیدن به کدهای اولیه بدین صورت بوده که هر یک از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی متن آنها، به صورت جمله به جمله، به دقت بررسی و پیام اصلی یا مفهوم کلیدی مستتر در هر یک از عبارات استخراج می‌شد. پس از کدگذاری مصاحبه، پژوهشگر اقدام به مصاحبه بعدی و کدگذاری آن می‌پرداخت. این روش تا زمان جمع‌آوری نتایج و رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در برخی جمله‌ها مصاحبه‌شوندگان از اصطلاحاتی استفاده می‌کردند که مستقیماً به عنوان یک کد قابل استفاده بود. در برخی موارد نیز مفهومی در ورای جملات پنهان بود که محقق با توجه به نیت گوینده، یک مفهوم را به آن نسبت داده و به صورت یک کد اولیه در نظر گرفته است. به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان در بخشی از مصاحبه بیان نمود:

"شرایط اقتصادی هم می‌تواند تأثیرگذار باشد. تغییر شرایط قسمت‌ها را تغییر بدهد. تعداد قسمت‌ها، عناوین قسمت‌ها، تعریف قسمت‌ها چه موضوع تورم باشد، چه بحث تحریم‌ها باشد هر کدام از آنها قطعاً الزام خواهد کرد که ما در تعاریفمان تغییر ایجاد بکنیم و این در شرایطی هست که این قضیه بلندمدت باشد."

با بررسی نقل قول فوق در سطح اول و در کدگذاری باز مفهوم "تأثیر شرایط اقتصادی مانند تورم و تحریم در تعریف عناوین و تعداد قسمت‌های عملیاتی" استخراج گردید. در برخی نقل قول‌های دیگر نیز به مفهوم فوق‌الذکر اشاره شده که در فرآیند مقایسه داده‌ها، مفاهیم یک به یک استخراج شده‌اند.

کدهای اولیه، پس از هر مصاحبه پالایش شده و با توجه به سنخیت و تجانس با سایر کدهای کشف شده، ذیل مفهومی کلانتر قرار گرفتند. این فرآیند بارها و بارها تکرار شد تا پس از پالایش‌های مکرر، کدهای اولیه به مفاهیم و مفاهیم نیز هر یک بر اساس فرآیند تجانس مفهومی در قالب مفاهیم گسترده‌تر به عنوان مقوله سازماندهی شدند.

پس از کدگذاری سطح اولیه و تشکیل مفاهیم، کدگذاری سطح دوم جهت شکل‌گیری مقوله‌ها انجام شد. هدف از مقوله‌بندی کردن، استفاده از بیشترین و یا معنادارترین کدهای اولیه جهت غربالگری و تقلیل انبوه داده‌ها بود. در این مرحله، محقق ضمن مراجعه به متن عبارتی که هر کد از آن استخراج گردیده و مقایسه کدها با هم در صدد شناسایی کدهای مشابه می‌باشد. با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم اولیه، کدهای مشابه یا مشترک در قالب یک مقوله واحد قرار می‌گیرند؛ بنابراین انبوهی از داده‌ها و مفاهیم اولیه به مقوله‌هایی مشخص و محدود کاهش می‌یابند. در نتیجه هر مقوله دربرگیرنده مفاهیمی مشابه، متداخل و هم‌معنا است. به عنوان مثال یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان عبارات زیر را نقل می‌کند:

"دانش استفاده‌کنندگان، قابلیت مقایسه، موضوعات اخلاقی و بحث‌های پنهان کردن اطلاعات در اینجا (رویکرد مدیریتی) اهمیت دارد. من در این موضوع نگرانی دارم. یکی از ابزارهای در اختیار استفاده‌کننده بیرونی قابلیت مقایسه بین دو بانک همگروه هست؛ اما اگر با سیستم داخلی خودشان اطلاعات ارائه کنند هر کدام ممکن است یک مسیری رفته باشند و قابلیت مقایسه نداشته باشد."

از نقل قول بالا در سطح اول مفهوم "محدودیت دانش استفاده‌کنندگان، قابلیت مقایسه، مخاطرات اخلاقی مربوط به پنهان کردن اطلاعات به عنوان مهم‌ترین موانع بکارگیری رویکرد مدیریتی در ایران" استخراج گردید. در سطح بعدی سه مقوله "محدودیت دانش استفاده‌کنندگان"، "قابلیت مقایسه" و "مخاطرات اخلاقی پنهان کردن اطلاعات" استخراج گردید. در سطح بالاتری از انتزاع، محقق برچسب "محدودیت‌های رویکرد مدیریتی" را به آن اختصاص داد. به همین ترتیب مقوله‌های مختلف و متعددی در رابطه با گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران شناسایی و استخراج شد.

در مجموع از تمامی مصاحبه‌های انجام شده، پس از پالایش متون مصاحبه ۲۴۸ مفهوم استخراج که در سطح دوم و سوم به ترتیب به ۱۵۶ و ۳۱ مقوله تقلیل یافتند. نمونه‌ای از مقوله‌ها به همراه مفاهیم تشکیل دهنده آنها در سطوح مختلف به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱- نمونه استخراج مفاهیم و مقوله‌ها از مصاحبه‌ها

مقوله سطح سوم	مقوله سطح دوم	(مقوله سطح اول) مفهوم	
مخاطرات اخلاقی	وجود مخاطرات اخلاقی	برطرف شدن مشکل مخاطرات اخلاقی از طریق تعریف صحیح قسمت‌های عملیاتی	
	پنهان کردن زبان	جبران زیاندهی فعالیت اصلی بانک‌ها از طریق سایر فعالیت‌ها	
نقش مقام ناظر	صورت‌های مالی نمونه ابلاغی بانک مرکزی	وجود اغلب اطلاعات قسمت‌های عملیاتی در سایر یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بانک‌ها	
	نقش مقام ناظر در تعیین سود	تعیین سود توسط ناظر	
	مقام ناظر در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی	وظیفه بانک مرکزی در ابلاغ شکل گزارشگری قسمت‌های عملیاتی	
	عدم وجود انعطاف در ضوابط ابلاغی	عدم وجود انعطاف در ضوابط ابلاغی به بانک‌ها در ایران	
	حمایت بانک مرکزی از سپرده‌گذاران	حمایت بانک مرکزی از سپرده‌گذاران	حمایت بانک مرکزی از سپرده‌گذاران به عنوان یکی از دلایل عدم سودمندی اطلاعات قسمت‌های عملیاتی برای آنها
			انکای سپرده‌گذاران به نظر ناظران بانکی
			اشتباه ذهنی سپرده‌گذاران در خصوص حمایت بانک مرکزی از آنان
مداخله مقام ناظر		پرهیز از تکلیف مالا بطلاق	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که ملاحظه می‌گردد با بررسی سلولی و جز به جز مصاحبه‌ها و مفاهیم آنها، یک یا چند مفهوم در سطح دوم در قالب یک مقوله و چند مقوله در قالب یک دسته‌بندی کلی‌تر و مقوله انتزاعی بالاتر قرار گرفته است. در سراسر مرحله تجزیه و تحلیل و استخراج مفاهیم و مقولات ترتیبات فوق مطمحنظر قرار گرفته است.

• کدگذاری محوری

استراوس و کوربین (۱۹۹۰) (کدگذاری محوری را به عنوان "مجموعه‌ای از رویه‌ها که در آن داده‌ها به شیوه‌های نو و پس از کدگذاری باز، از طریق برقراری ارتباط بین مقوله‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند" تعریف می‌کنند؛ بنابراین در کدگذاری محوری، داده‌هایی که پیش از آن در مرحله کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، با شیوه‌های جدید به یکدیگر می‌پیوندند تا پیوندهای میان یک مقوله و مقولات فرعی‌اش برقرار شود. استراوس و کوربین استفاده از نمودارها را برای توضیح و تشریح الگوهای موجود در فرآیند کدگذاری محوری پیشنهاد کردند. این کار با به کارگیری یک "مدل پارادایمی" شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای عمل/تعامل و پیامدها انجام می‌شود. مرحله کدگذاری محوری همانطور که عنوان گردید، با کدهای باز شناسایی شده در مرحله قبل آغاز می‌شود. این کدها که بر مبنای پیاده‌سازی‌های مصاحبه‌ها شکل گرفته‌اند، بر اساس ماهیت نقطه نظرات ارائه شده به مقوله‌های اصلی، مقوله‌های فرعی، ویژگی‌ها و ابعاد تقسیم‌بندی می‌شوند.

در این تحقیق، با توجه به خاص بودن صنعت بانکداری در ایران به عنوان یک صنعت مهم و دارای دینفعان متعدد، طراحی و ارائه الگویی برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران مسئله اصلی تحقیق است و عمده مطالب مطرح شده در مصاحبه‌ها حول این محور قرار داشته است، لذا مقوله‌ی اصلی این تحقیق "گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران" می‌باشد که در مرکز مدل قرار گرفته است و سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شده است.

الف- شرایط علی

با توجه به اینکه مقوله اصلی این پژوهش "گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران" می‌باشد. بر اساس تجزیه و تحلیل مقولات، شرایط علی و عامل اصلی اثرگذار بر این مقوله "نیاز استفاده‌کنندگان" است.

• نیاز استفاده‌کنندگان

وفق نظر مصاحبه‌شوندگان عامل اصلی گزارشگری مالی در ارتباط با قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران ناشی از نیاز استفاده‌کنندگان و سودمندی برای ایشان در اتخاذ تصمیمات مختلف می‌باشد. این استفاده‌کنندگان طبق آنچه از اظهارنظرهای اشخاص طرف مصاحبه بر می‌آید به دو گروه عمده استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی (شامل مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مزبور) و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی (مشتمل بر سهامداران، سپرده‌گذاران، ناظران و ...) تقسیم‌بندی می‌شود. به عنوان نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان در بیان خود ابراز می‌دارد:

"گزارشگری بخشی می‌تواند هم برای استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی و هم برون‌سازمانی مفید باشد". در ادبیات تحقیق بیان شد که اهمیت گزارشگری قسمت‌ها از اهمیت سایر اجزای گزارش سالیانه مثل گزارش هیأت مدیره، گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی کمتر نمی‌باشد؛ بنابراین نتایج حاصل از این بخش همسو با ادبیات تحقیق است.

ب- شرایط زمینه‌ای

گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران در بستر "شرایط اقتصادی" "شرایط سیاسی"، "شرایط صنعت"، "شرایط فرهنگی" و "نظام قانونی حاکم" شکل گرفته است. همانطور که پیش از این بیان شد شرایط زمینه‌ای، مجموعه‌ای از شرایطی است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال را به وجود آورند که اشخاص با تعامل‌های خود به آنها پاسخ دهند. در تحقیق حاضر نیز پنج عامل فوق‌الذکر به عنوان مجموعه شرایط اثرگذار بر گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران شناسایی گردیدند.

• شرایط اقتصادی

با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان، یکی از شرایط زمینه‌ای مهم در ارتباط با گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران، شرایط اقتصادی می‌باشد. طبق یافته‌های این پژوهش و با توجه به موقعیت خاص اقتصاد کشور ایران و نیز بانک محور بودن اقتصاد در این کشور، این موضوع در ابعاد مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کند.

از جمله موارد مزبور می‌توان به موضوع تعامل اقتصادی با سایر کشورها اشاره نمود. بدیهی است در شرایط کنونی عدم تعامل گسترده اقتصادی با سایر کشورها، صورت‌های مالی بانک‌های کشور مورد مطالبه شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی و نیز بانک‌های فعال در سایر کشورها جهت ارزیابی درجه اعتبار و سودآوری نمی‌باشد. از دیگر مقوله‌های فرعی مذکور در شرایط اقتصادی، متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم است. در این خصوص یکی از اشخاص مورد مصاحبه بیان می‌دارد:

"شرایط اقتصادی هم می‌تواند تأثیرگذار باشد تغییر شرایط قسمت‌ها را تغییر بدهد تعداد قسمت‌ها، عناوین قسمت‌ها، تعریف قسمت‌ها هر چه تورم باشد، چه بحث تحریم‌ها می‌باشد هر کدام از آنها قطعاً الزام خواهد کرد که ما در تعاریفمان تغییر ایجاد بکنیم و این در شرایطی هست که این قضیه بلندمدت باشد".

علاوه بر شرایط اقتصادی مورد اشاره، تغییرات شرایط مزبور در افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز از جمله مقوله‌های فرعی تأثیرگذار در شرایط و علل زمینه‌ای است.

• شرایط سیاسی

با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نظرات مصاحبه‌شوندگان از جمله موارد دیگر دخیل در عوامل زمینه‌ای، شرایط سیاسی کشور می‌باشد. در این خصوص بدیهی است مناسبات سیاسی کشور در عرصه بین‌الملل بر فعال بودن یا انفعال دولت و بنگاه‌های اقتصادی تأثیر مستقیم داشته و مثلاً این موضوع بر حجم صادرات و واردات تأثیر می‌گذارد. این مهم موجب ورود یا عدم ورود بانک‌های مختلف جهت تسویه مطالبات فی‌مابین و ارائه ابزارهایی برای پرداخت در عرصه بین‌المللی می‌شود. در رابطه با موضوع یادشده یکی از مصاحبه‌شوندگان ابراز می‌دارد:

"اگر این وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور به نوعی باشد که ما بتوانیم تبادل خارجی داشته باشیم قطعاً صورت‌های مالی بانک‌های کشور ما را شرکت‌های بین‌المللی بیشتری می‌بینند و مطابقت می‌دهند با صورت‌های مالی بانک‌های خودشان!"

• شرایط صنعت

علاوه بر موردی که در خصوص وضعیت زیاندهی بانک‌ها و تأثیر آن بر شرایط اقتصادی مطرح گردید، برخی موضوعات خاص در صنعت بانکداری کشور ایران و بعضاً سایر کشورها مطرح می‌باشد که از مجموعه آنها می‌توان به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای یاد کرد. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان این موضوعات خاص صنعت بانکداری ایران در مقوله‌هایی نظیر تفاوت در اندازه، اجزا و نوع فعالیت بانک‌ها، تفاوت در توزیع جغرافیایی بانک‌ها، تفاوت در شرایط و رسالت هر بانک و شرایط متفاوت بانک‌هایی تخصصی و تجاری جستجو نمود. به عنوان نمونه در یکی از مصاحبه‌های انجام شده مصاحبه‌شونده اعلام می‌کند که:

"واقعیت این است بانک‌ها درسته که یک الگو را دارند دنبال می‌کنند ولی در دلشان خیلی با هم متفاوت هستند. به نظر من بانک خاورمیانه با بانک ملی اینقدر تفاوت دارد که اصلاً نمی‌شود این‌ها را در یک جا بگذاریم!"

لذا در بستر تفاوت‌های ماهوی و شکلی بانک‌های مختلف فعال در عرصه بانکداری ایران باید الگوی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی طراحی و ارائه گردد.

• شرایط فرهنگی

طبق نظر خبرگان مورد مصاحبه یکی از شرایط زمینه‌ای در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران ویژگی فرهنگی کشور است. فرهنگ یک پدیده اجتماعی است که از سویی در تلاش انسان‌ها برای پاسخگویی به نیازهای گوناگونشان پدید می‌آید و از سوی دیگر راهنمای فکر و عمل انسان‌ها برای رفع نیازهایشان است. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان رویکرد غیرانتفاعی به برخی بانک‌ها، فرهنگ استفاده از گزارش‌های مالی و فرهنگ مقاومت در مقابل تغییر از جمله مهمترین ویژگی‌های فرهنگی دخیل در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران می‌باشد. قل قول یکی از مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

"فرهنگ رواز این باب وارد شدم که شما می‌توانید نقص‌هایی که یک عده در تصمیم‌گیری خود دارند با صورت‌های مالی که به آن‌ها می‌دهید برطرف کنند. قطعاً هدف اول این نیست ولیکن بالاخره در کنار سایر اهداف این درمی‌آید. این باعث می‌شود که استفاده‌کننده در گذر زمان تربیت شود."

• نظام قانونی حاکم

در هر کشوری بستر و زیرساخت اصلی بروز بسیاری از پدیده‌ها، قوانین حاکم بر آن پدیده است. همانطور که در بخش‌های قبل به تفصیل اشاره گردید الزامات قانونی ناظر بر صنعت بانکداری ایران الزاماتی خاص و منحصر به فرد می‌باشد. با توجه به رویکردهای فقهی و شرعی حاکم بر نظام بانکداری ایران و ممنوعیت مقولاتی نظیر بهره، صنعت بانکداری ذیل دو قانون اصلی تحت عناوین قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱) و قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) (مصوب ۱۳۶۲) فعالیت می‌نماید. قوانین مزبور الزامات و مفاهیمی را در صنعت بانکداری کشور ایران وارد می‌نماید که با نظام بانکداری متعارف دنیا متفاوت می‌باشد. از جمله این موضوعات تجهیز منابع در قالب رابطه قرض برای سپرده‌های قرض الحسنه و رابطه وکالت برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد. همچنین سازوکارهای تخصیص منابع وفق مفاد ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و اصلاحات بعدی آن باید از طریق یکی از عقود اسلامی مذکور در تبصره ذیل ماده مزبور از قانون یاد شده باشد. لذا مفاهیمی نظیر قرض الحسنه، سود مشاع و حق الوکاله وفق ضوابط بالادستی و الزامات قانونی به طور خاص در صنعت بانکداری ایران مطرح می‌شود. الزامات قانونی یادشده به طور جدی رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی در صنعت بانکداری ایران من جمله گزارشگری قسمت‌های عملیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین نظام قانونی حاکم به عنوان یک متغیر زمینه‌ای بر گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران موضوعیت دارد.

با توجه به مطالب مطروحه، بر اساس مفاد مستخرج از مصاحبه‌های انجام شده نیز نظام قانونی حاکم مطرح شده است. به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان اعلام می‌کند:

"بخش قانونی که حتماً تأثیرگذار است، چون قانون بر استانداردها اولی است. اگر قانون درستی باشد که منطق داشته باشد که باید این قانون ریشه بدواند؛ یعنی همین الان که می‌گوییم ما به لحاظ قانونی بانکداری اسلامی داریم و رابطه بانک و سپرده‌گذار رابطه وکیل و موکلی است باید به این موضوع توجه کنیم."

ج- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، مجموعه شرایط ساختاری هستند که به پدیده‌های تعلق دارند و بر راهبردها اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش مقوله‌های "زیرساخت‌های اطلاعاتی"، "تعریف قسمت‌ها"، "ساختار سهامداری"، "شرایط تحریم"، "محدودیت‌ها"، "مخاطرات اخلاقی"، "مقام ناظر"، "نحوه قسمت‌بندی"، "هزینه اطلاعات"، "هزینه‌های رقابتی" و "هزینه‌های نمایندگی" به عنوان شرایط مداخله‌گر در گزارشگری

قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران معرفی شده‌اند. در ادامه در ارتباط با هر یک از مقوله‌های مورد اشاره توضیحاتی ارائه می‌شود:

• زیرساخت‌های اطلاعاتی

یکی از موارد مهم در طراحی، استقرار و پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی، وجود بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم به منظور جمع‌آوری و پردازش داده‌ها می‌باشد. فراهم بودن شرایط لازم برای فراهم شدن زیرساخت‌های سیستم حسابداری به عنوان یکی از سیستم اطلاعاتی نیز در این مفهوم قابل تبیین می‌باشد. از نظر مصاحبه‌شوندگان زیرساخت‌های اطلاعاتی و بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری یکی از مقوله‌های تأثیرگذار در راهبردهای گزارشگری اطلاعات قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری محسوب می‌شود. در یکی از مصاحبه‌ها اینگونه نقل می‌شود که:

"پس در وهله اول امکان گزارشگری و گزارش دهی وجود داشته باشد؛ یعنی زیرساخت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری فراهم شده باشد. منابعی که تخصیص داده شده مشخص باشد و اختیار تخصیص منابع در اختیار آن بخش قرار گرفته باشد."

• تعریف قسمت‌ها

همانطور که در ادبیات تحقیق نیز اشاره شد، در رویکردهای مختلف گزارشگری قسمت‌های عملیاتی تعریف صحیح قسمت‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مهم در صنعت بانکداری ایران نیز موضوعیت دارد. وفق مفاد مصاحبه‌های انجام شده، ارائه اطلاعاتی سودمند در گزارشگری صنعت بانکداری ایران مستلزم تعریف صحیح قسمت‌های مورد گزارش می‌باشد. این مهم علاوه بر افزایش سودمندی گزارشگری یادشده می‌تواند مخاطرات اخلاقی را نیز کاهش دهد. در یکی از نقل‌قول‌ها مصاحبه‌شونده اعلام می‌دارد:

"من فکر می‌کنم اگر تعریف بخش‌ها درست انجام شده باشد ما این مشکل ادغام بخش‌های زیانده در بخش‌های سودده را نخواهیم داشت."

• ساختار سهامداری

با توجه به فعالیت انواع بانک‌ها در نظام پولی و بانکی کشور، ترکیب و ساختارهای متفاوت و بعضاً متنوعی از سهامداری در بانک‌های فعال در کشور ایران وجود دارد. برخی بانک‌ها تماماً با مالکیت دولتی اداره می‌شوند. بعضی دیگر از بانک‌ها نیز دارای مالکیت غیردولتی می‌باشند. برخی بانک‌ها نیز دارای ساختار سهامداری ترکیبی (دولتی و غیردولتی) می‌باشند. صرف‌نظر از نوع مالکیت بانک‌ها (دولتی و غیردولتی)، ترکیب سهامداری از نظر مطالبه در افشای اطلاعات قسمت‌های مختلف حائز اهمیت می‌باشد. در برخی بانک‌ها ترکیب سهامداری به نحوی می‌باشد که سهامداران مزبور از نوع تکنیکال و نه بنیادی بوده و لذا به اهمیت اطلاعات مورد ارائه در رویکردهای مختلف گزارشگری قسمت‌های عملیاتی واقف نمی‌باشند. در مقابل در برخی بانک‌ها عمدتاً سهامداران بنیادی به وضعیت بانک نگاه می‌کنند. این بانک‌ها توسط افراد

مطلع اداره می‌شود. لذا این مهم به عنوان یک متغیر مداخله‌گر در گزارشگری اطلاعات قسمت‌های عملیاتی محسوب می‌شود. در یکی از نقل‌قول‌های مصاحبه‌شوندگان بیان می‌شود که:

'فکر می‌کنم به ویژه برای سهامداران ما که سهامداران متخصصی هم هستند، یعنی سهامداران عادی و معمولی نیستند بلکه در بانک الف ترکیب از اول طوری بوده که افراد مطلعی هستند و این موارد را دنبال می‌کنند.'

• شرایط تحریم

یکی دیگر از متغیرهای مداخله‌گر در راهبردهای مربوط به گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران توجه به مقوله تحریم می‌باشد. ناشی از تحریم بانک‌های ایرانی امکان فعالیت بانک‌های مزبور در خارج از کشور محدود و بعضاً متوقف می‌شود. لذا گزارشگری برون مرزی تحت تأثیر پدیده نامیمون مزبور قرار می‌گیرد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با این موضوع بیان می‌دارد که:

'برخی بانک‌ها شعب خارج دارند ولیکن حجم فعالیت آن‌ها چقدر است؟ الآن مثلاً بانک ب شعبه مونیخ خودش رو افتتاح کرده ولی کی الآن می‌رود در شعبه خارجی بانک ایرانی حساب باز کند؟ بالاخره دلیل اینکه یک بانک ایرانی شعبه خارجی زده چیست؟ دلیل عمده آن تسهیل روابط تجاری است نه جذب منابع با این شرایط تحریم و بستن حساب‌های ایرانی، فعالیت این شعب خیلی جدی و عمده نیست لذا حجم فعالیت، هزینه تهیه اطلاعات، امکان تهیه اطلاعات مهم است.'

• محدودیت‌ها

وجود برخی محدودیت‌ها در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی به عنوان متغیر مداخله‌گر در راهبردهای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران محسوب می‌شود. با توجه به نظر خبرگان مستخرج از متون مصاحبه‌ها، از جمله محدودیت‌های مزبور می‌توان به محدودیت‌هایی نظیر انبوهی اطلاعات، اولویت سود تقسیمی برای سهامداران، تضمین سود توسط بانک‌ها، تفاوت بانک‌های توسعه‌ای با سایر بانک‌ها، تکنیکال بودن سپرده‌گذاران، تمرکز سپرده‌گذاران و سهامداران به سود، توجه سپرده‌گذاران به سایر پارامترها، خاص بودن بانکداری بدون ربا، دسترسی به اطلاعات، دشواری احراز معیار اهمیت، دشواری مرزبندی، سیطره دولت، عدم اجرای بانکداری اسلامی، عدم کارایی بازار سرمایه، عدم وجود زیرساخت‌های لازم، محدودیت برآورد، محدودیت در تعریف و محدودیت در تفکیک اشاره داشت. در نقل‌قول یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص محدودیت‌های مورد اشاره بیان می‌گردد که:

'در خصوص سپرده‌گذار هم اگر مثل کشور ما یک نرخ سود ثابت باشد که خیلی دغدغه‌ای سپرده‌گذار ندارد. مگر این که موضوع سود مشاع را به معنای واقعی عمل نمایند. اگر به معنای واقعی عمل شود سپرده‌گذاران هم استفاده می‌کنند قبلاً یعنی دهه ۸۰ خیلی این موضوع عمل نمی‌شد سپرده‌گذار مبتنی بر اطلاعات قسمت‌های عملیاتی تصمیم‌گیری نمی‌کنند.'

نقل قول فوق حاکی از عدم استفاده برخی سپرده‌گذاران از اطلاعات قسمت‌های عملیاتی با توجه به ثابت بودن و تضمین سود آن‌ها است. در این ارتباط محدودیت‌های دیگری شامل: محدودیت تکنیکال بودن سپرده‌گذاران بانکی و عدم سودمندی اطلاعات قسمت‌ها در تحلیل تکنیکال، سیطره دولت بر برخی بانک‌ها و نوع نگاه وی از منظر اقتصادی یا تصدی‌گرایانه و محدودیت در تفکیک در ارتباط با عدم امکان تفکیک بانکداری الکترونیک نیز وجود دارد.

• نقش مقام ناظر

به دلیل نقش بی‌بدیل و بی‌نظیر بانک‌ها در شکوفایی و افول شرایط اقتصادی کشورها و نیز ارتباط با اقشار مختلف جامعه، صنعت بانکداری در تمامی کشورهای دنیا تحت سیطره مقام ناظر می‌باشد. مقامات نظارت بانکی کشورهای مختلف از طریق وضع ضوابط و مقررات ناظر بر تأسیس و فعالیت و نیز پایش و نظارت مستمر بانک‌ها سیطره خود بر نظام بانکی کشورها را اعمال می‌نمایند. بانک‌های فعال در عرصه بین‌المللی موظف‌اند علاوه بر رعایت ضوابط و مقررات ابلاغی از سوی مقام ناظر کشور خود، الزامات نظارتی بین‌المللی و کشور میزبان را نیز رعایت نمایند. از این رو صنعت بانکداری به عنوان یک صنعت خاص همواره تحت الزامات و بایدها و نبایدهای مقام ناظر فعالیت می‌نماید. در کشور ایران نیز همانند سایر کشورهای صنعت بانکداری از سایر صنایع متمایز بوده و تحت نظارت مقام نظارت بانکی (بانک مرکزی) در اقتصاد مبتنی بر بانک این کشور فعالیت می‌نماید.

در این پژوهش و در ارتباط با موضوع گزارشگری قسمت‌های عملیاتی صنعت بانکداری، به عقیده خبرگان نقش مقام ناظر به انحاء مختلف از جمله ابلاغ صورت‌های مالی نمونه و تکلیف بانک‌ها به تهیه صورت‌های مالی خود وفق مفاد آن، تعیین دستوری نرخ سود تجهیز و تخصیص، تعیین چارچوب در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، ابلاغ برخی ضوابط غیرقابل انعطاف و حمایت از سپرده‌گذاران ظهور و بروز پیدا کرده است. به عنوان نمونه نقل قول زیر از سوی یکی از خبرگان قابل ذکر می‌باشد:

"سپرده‌گذاران هم به نوعی خیالشان راحت است که هیچ بانکی منحل نمی‌شود ورشکسته اعلان نمی‌شود. دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز نداره بالاخره همه پولشان را می‌گیرند هر چند یک جاهایی آن سپرده‌گذار ریسکش را پذیرفته علیرغم اینکه بانک مرکزی انواع و اقسام هشدارها را می‌دهد که مؤسساتی که تحت نظر ما نیستند و مجوز ندارند سپرده‌گذاری نکنید. خوب او ریسکش را پذیرفته بنابراین سوخت شدن سودش را می‌پذیرد و اصل پولیش را می‌گیرد."

این موضوع حاکی از حمایت بانک مرکزی از سپرده‌گذاران حتی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیرمجاز بوده و لذا این خود به عنوان یکی از دلایل کاهش یا عدم توجه سپرده‌گذاران به اطلاعات مندرج در گزارش‌های مالی از جمله اطلاعات قسمت‌های عملیاتی می‌باشد.

• هزینه اطلاعات

شرکت‌های با افشای پایین‌تر تمایل دارند تا نسبت ارزش دفتری به بازار بالاتر داشته باشند. یکی از دلایل تمایل بیشتر شرکت‌های بزرگ‌تر به افشای اطلاعات بهتر در مقایسه با شرکت‌های کوچک، هزینه پایین‌تر تهیه اطلاعات در این شرکت‌ها و همچنین فشار بازار است. سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بیشتری این شرکت‌ها را دنبال می‌کنند؛ بنابراین همواره یکی از موارد با اهمیت در ارائه انواع اطلاعات به استفاده‌کنندگان درون و برون‌سازمانی هزینه تهیه اطلاعات مزبور و صرفه اقتصادی است. با توجه به آنچه در بخش‌های بعدی در ارتباط با راهبردهای پیشرو ذکر خواهد گردید، هزینه تهیه اطلاعات در هر یک از راهبردها متفاوت بوده و لذا عامل مزبور می‌تواند به عنوان یک متغیر تأثیرگذار نقش‌آفرینی کند. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان اعلام می‌دارد:

"ولی اینکه این چقدر مفید فایده است و به این جمع‌بندی برسند که بخواهند پیاده‌سازی کنند باید همان موضوع فزونی منافع اطلاعات بر هزینه تهیه اطلاعات را باید مبنا بگذاریم."

• هزینه‌های رقابتی (مالکانه)

هزینه‌های مالکانه بالاخص در گزارشگری قسمت‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ زیرا قسمت‌ها به لحاظ رقابتی حساس و در ماهیت اختصاصی هستند (لویز، ۲۰۰۴). بر اساس نظر خبرگان، در پژوهش حاضر هزینه‌های رقابتی به همراه سایر مقوله‌ها، به عنوان متغیر مداخله‌گر که در اتخاذ راهبرد تأثیر می‌گذارد نقش‌آفرینی می‌نماید. به عنوان نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان اعلام می‌دارد:

"اما قسمت دوم این که ممکن است یک قسمت از فرمول کاریشان رو شود و رقبا نتوانند سوءاستفاده کنند به نظرم شاید در صورت‌های مالی به آن شکل ما لازم نداشته باشیم."

بیان فوق حاکی از اعتقاد مصاحبه‌شونده مبنی بر تأثیر هزینه‌های رقابتی در افشای اطلاعات پنهانی و مزایای رقابتی بانک‌ها از طریق گزارشگری اطلاعات قسمت‌های عملیاتی است. از طرف دیگر برخی خبرگان دیگر بر این عقیده نبوده و باور داشتند در صنعت بانکداری ایران چنین هزینه‌هایی یا وجود نداشته و یا قابل چشم‌پوشی است. با توجه به موارد فوق، به نظر خبرگان بانکی در ایران، هزینه‌های رقابتی نمی‌تواند عاملی محدودکننده و تأثیرگذار در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران باشد.

• هزینه‌های نمایندگی

بر اساس بررسی مفاد مصاحبه‌های انجام شده هزینه‌های نمایندگی از منظر مصاحبه‌شوندگان در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران با اهمیت و قابل توجه بوده و الزامات افشای اجباری در سطوح مختلف را برای کاهش این هزینه‌ها پیشنهاد دادند. به عنوان نمونه دو نقل‌قول زیر ذکر می‌گردد:

"این بحث تئوری نمایندگی در شرایط فعلی هم وجود دارد. در بحث گزارشگری و قسمت‌های مختلف هم قطعاً وجود خواهد داشت. من فکر نمی‌کنم تغییری این قضیه ایجاد بکند که بخواهد زیر سؤال ببرد یا اینکه مانعی بخواهد بشود جهت اجرای این قضیه."

د- راهبردها

راهبردها (کنش‌ها و تعاملات) بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدفداری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای (بستر حاکم) حاصل می‌شوند.

با توجه به نظرات خبرگان، راهبردهای رفتاری و تاکتیک‌های کنشگران در خصوص گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران در مقوله‌های "اجزای گزارشگری"، "شاخص‌های تعریف قسمت‌ها"، "تعداد قسمت‌های عملیاتی"، "رویکرد مدیریتی و محدودیت‌های آن"، "رویکرد استاندارد و محدودیت‌های آن"، "رویکرد میانه" و "استانداردهای بین‌المللی و محدودیت بکارگیری آن‌ها" قابل تعریف است. در ادامه به هر یک از راهبردهای مزبور به اختصار پرداخته خواهد شد:

• اجزای گزارشگری

بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان یکی از راهبردهای مهمی که در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران باید مضمحنظر قرار گیرد اجزای تشکیل‌دهنده این گزارش مالی است. طبق یافته‌های این پژوهش با توجه به شرایط زمینه‌ای و متغیرهای مداخله‌گر، اجزای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران مشتمل بر بانکداری خرد و کلان، بانکداری بین‌الملل و داخلی، مناطق جغرافیایی، تأمین مالی صنایع مختلف، تقسیم‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها، شعب مختلف، فعالیت‌های خزانه‌داری، بین‌الملل و ریالی، خطوط کسب‌وکار، بخش وکالتی در بانکداری اسلامی و خطوط کسب‌وکار مذکور در استاندارد کفایت سرمایه بال ۲ باشد. در یکی از نقل‌قول‌ها در ارتباط با تفکیک بر اساس بانکداری خرد و کلان اینگونه ذکر می‌شود:

"حالا پیشنهاد من این هست یا فکری که من دارم این هستش که ما توی بانکداری خرد و کلان می‌تونیم این تفکیک را داشته باشیم!"

• شاخص‌های تعریف قسمت‌ها

مستفاد از ادبیات تحقیق یکی از امور پیچیده در فقدان یک راهنمای شفاف این است که چگونه قسمت‌های مورد گزارش باید تعریف شوند و لذا راه‌های زیادی برای شرکت‌ها جهت تعریف قسمت‌هایشان وجود دارد. مانوئل و گری (۱۹۷۸) اعلام داشتند که روش تعریف قسمت‌های قابل گزارش شرکت‌ها مهم بوده و مستقیماً سودمندی گزارش‌های قسمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تحقیق حاضر، راهبردهای مستخرج از مصاحبه‌های به عمل آمده با خبرگان ما را به این سمت و سو رهنمون می‌کند که در تعریف قسمت‌های عملیاتی باید نیاز و نظرات تمامی گروه‌ها، مطالعه میدانی و نظر خبرگان، مصالحه در منافع ذینفعان و توجه به فعالیت‌های اصلی در تقسیم‌بندی را مدنظر قرار داد.

• استانداردهای بین‌المللی و محدودیت بکارگیری آن‌ها

یکی از راهبردهای پیشرو برای گزارشگری اطلاعات قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران، تبعیت از استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ارتباط با موضوع یادشده می‌باشد. همانطور که در فصل‌های قبل

ذکر گردید، گرچه در گذر زمان استانداردهای بین‌المللی ناظر بر گزارشگری قسمت‌های عملیاتی چندین مرتبه دستخوش تغییراتی شده و رویکردهای بعضاً متفاوتی دنبال شده است اما وفق مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۸ به عنوان آخرین سخن هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، شرکت‌ها ملزم هستند تا اطلاعات قسمت‌ها را بر اساس واحدهای داخلی سازمان یا رویکرد مدیریتی گزارش نمایند. در واقع استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۸ شرکت‌ها را ملزم می‌کند تا نتایج مالی قسمت‌ها را به همان روشی که برای تصمیم‌گیرنده ارشد عملیاتی گزارش می‌شود ارائه کنند.

با توجه به مراتب فوق، آنچه در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۸ در خصوص گزارشگری قسمت‌های عملیاتی دنبال می‌شود همان رویکرد مدیریتی (الگوی داخلی) می‌باشد؛ به عبارت دیگر با تغییر نگرش استانداردهای بین‌المللی از قاعده محور بودن به سمت اصول محور بودن، تغییرات لازم جهت حرکت به سمت رویکرد داخلی در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی انجام شده است. علی‌ایحال با لحاظ موارد فوق، از طرفی، همسویی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از منظر خبرگان دارای مزایایی است و از طرف دیگر، محدودیت‌هایی در این ارتباط وجود دارد. مهمترین دلایل و مزایای برشمرده شده در این رابطه شامل "لزوم تبعیت"، "بهبود بازارها و سودمندی بیشتر"، "همسویی با سایر کشورها"، "زبان مشترک و قابلیت مقایسه با سایر کشورها" و "برتری کیفی استانداردهای بین‌المللی" است. در این خصوص یکی از خبرگان نقل می‌کند:

"ما هر چقدر بتوانیم استانداردهایمان را با استانداردهایی که در دنیا عمومیت دارد نزدیک بکنیم گزارشگری‌هایمان نزدیک بشود به گزارشگری‌های عمومی که الآن در دنیا رایج است و افشاء اطلاعات و گزارشگری‌هایمان منطبق با گزارشگری بین‌المللی باشد به نظر من می‌توانیم بازارمون را خیلی راحت‌تر بهبود بدهیم و این در بلندمدت به نفع همه است."

بنابراین از منظر این مصاحبه‌شونده تطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری موجب بهبود بازارها و سودمندی بیشتر گزارشگری قسمت‌های عملیاتی می‌شود. همچنین یکی دیگر از خبرگان معتقد است اجرای استاندارد بین‌المللی قسمت‌های عملیاتی باعث ایجاد زبان مشترک و قابلیت مقایسه با صنعت بانکداری سایر کشورها می‌شود؛ بنابراین بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری به همان میزان که دارای مزایایی برای صنعت بانکداری ایران دارد، می‌تواند در سویی دیگر با محدودیت‌هایی مواجه باشد. طبق بررسی‌های به عمل آمده؛ "قیودات شرعی و مسائل بانکداری اسلامی"، "تضاد با ضوابط داخلی"، "چالش ارزشگذاری"، "دشواری استفاده" و "شرایط اقتصادی" مهمترین چالش‌های پیشروی اجرای آن‌ها در صنعت بانکداری ایران است.

• رویکرد مدیریتی و محدودیت‌های آن

پیشتر ذکر گردید که یکی از الگوهای اتخاذ شده توسط استانداردها برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، الگوی مدیریتی یا رویکرد داخلی می‌باشد. الگوی مدیریتی، همان‌گونه که هیأت تدوین

استانداردهای بین‌المللی بیان می‌دارد؛ شناسایی قسمت‌های عملیاتی بر مبنای گزارش‌های داخلی است که بر آن اساس تصمیم‌گیرنده ارشد عملیاتی به منظور تخصیص منابع به قسمت و ارزیابی عملکرد آن به‌طور منظم مورد استفاده قرار می‌دهد (هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۱۵). انگیزه اصلی این الگوی این است که استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی می‌توانند عملکرد مالی شرکت را از دیدگاه مدیریت ببینند و در عین حال این الگو قسمت‌های بیشتری را نیز در برمی‌گیرد.

طبق بررسی سلولی به عمل آمده، در مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، الگو و رویکرد مدیریتی در صنعت بانکداری ایران از یک سو دارای نقاط قوت و از سوی دیگر دارای نقاط ضعف، محدودیت‌ها و کاستی‌هایی می‌باشد. طبق یافته‌ها و از منظر خبرگان از جمله مزایای استفاده از این راهبرد برای گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران می‌توان به سهولت تقسیم‌بندی، امکان تقسیم‌بندی جغرافیایی، برآورده شدن نیاز مدیران، ارائه نگاه مدیران، انعطاف در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی بهتر، تبعات کمتر، استفاده مطلوب‌تر از فرصت‌ها، امکان گزارشگری فعالیت‌ها در بخش‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف، سودمندتر بودن اطلاعات و امکان تعریف اصول واحد برای تمامی بانک‌ها اشاره نمود. به عنوان نمونه نقل قول زیر به سهولت تقسیم‌بندی توسط مدیران با توجه به اشراف به وضعیت درون بانک اشاره دارد:

"به نظرم برای افراد بیرونی ممکن است تفکیک سخت باشد ولی برای مدیران که در بانک کار می‌کنند و مدیریت می‌کنند این تقسیم‌بندی خیلی سخت نیست."

همچنین خبره دیگری در اعلام نظر خود به تعریف اصول واحد برای تمامی بانک‌ها و اعطای اختیار به مدیران برای تقسیم‌بندی با توجه به تفاوت‌های ماهوی بانک‌های مختلف اشاره می‌نماید:

"ولی معایب چارچوب این است که همه جا قابلیت استفاده ندارد به طور مثال در یک بانک تجاری و تخصصی با هم متفاوت است و برای هر بانک باید یک نسخه نوشت نمی‌توان یک نسخه جامع برای همه بانک‌ها نوشت ولی وقتی یک سری اصول حاکم برای همه داشته باشیم، خروجی قابل استفاده‌تر خواهد شد چون همه از اصول تبعیت کنند قابلیت مقایسه هم افزایش می‌یابد."

• رویکرد استاندارد و محدودیت‌های آن

رویکرد و راهبرد دیگر در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی، رویکرد استاندارد (الگوی ریسک و بازده) می‌باشد. در این الگو ساختار سازمانی و سیستم گزارشگری مالی داخلی واحد تجاری مبنایی برای تشخیص قسمت‌های آن است. مخاطرات و بازده‌های یک واحد تجاری، هر دو تحت تأثیر محل جغرافیایی عملیات و نیز بازارهای آن قرار می‌گیرد. گرچه الگوی ریسک و بازده، اولین الگو اتخاذ شده توسط مجامع حرفه‌ای و استانداردها در دنیا در ارتباط با گزارشگری قسمت‌های عملیاتی بوده و تأثیر شگرفی بر حوزه گزارشگری مالی برای ذینفعان داشته است، لیکن این الگو همواره با برخی انتقادات مواجه بوده است با توجه به موارد فوق، در پژوهش حاضر نیز برخی از مصاحبه‌شوندگان به رویکرد فوق‌الذکر اشاره نمودند و استفاده از آن در صنعت بانکداری ایران را واجد مزایایی دانسته‌اند. وفق یافته‌ها، مزایای مذکور

در این تحقیق مشتمل بر مقوله‌هایی مثل استانداردسازی گزارش‌های مالی، افزایش قابلیت مقایسه، عدم درستکاری مدیران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، ثبات در کوتاه‌مدت، تعامل با سایر کشورها، وجود دانش فنی، عدم امکان استفاده از گزارشگری قسمت‌های عملیاتی داخلی برای مقاصد برون‌سازمانی و عدم تحمیل هزینه در رویکرد استاندارد است. به عنوان مثال یکی از خبرگان، استانداردسازی را در راستای مفید بودن گزارش‌های تهیه شده اینگونه بیان می‌کند:

"ولی اگر ما بتوانیم دقیقاً بر مبنای استاندارد و الگوهایی که برای بخش عملیاتی تعریف می‌شود اگر بتوانیم اجرا بکنیم قطعاً مفید خواهد بود."

از طرف دیگر در نتیجه استانداردگذاری قابلیت انعطاف مدیران کاهش یافته و امکان دستکاری گزارش‌ها و پنهان کردن اطلاعات برخی بخش‌ها و پوشش نارسایی‌ها و ضعف در عملکرد کاهش می‌یابد.

• رویکرد میانه (بینابینی)

همانگونه که در قسمت‌های قبلی به تفصیل بحث گردید، به عقیده خبرگان اتخاذ هر یک از رویکردهای مدیریتی و استاندارد در صنعت بانکداری ایران واجد مزایا و محدودیت‌هایی است. مزایا و محدودیت‌های مورد اشاره به نحوی است انتخاب یک راهبرد واحد را سخت و دشوار می‌نماید. بر اساس آنچه از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده حاصل گردید، می‌توان راهبرد سومی را تحت عنوان رویکرد میانه (بینابینی) در گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران در دستور کار قرار داد. در حقیقت در رویکرد مورد اشاره، نه بسان رویکرد استاندارد (رویکرد ریسک و بازده) تمامی قسمت‌ها از قبل مشخص و تعیین تکلیف شده است که بانک موظف گردد صرفاً در همان قالب و شابلون اطلاعات قسمت‌های عملیاتی خود را گزارشگری نماید و نه همانند رویکرد مدیریتی (رویکرد داخلی) مدیر شخص تصمیم‌گیرنده و دارای اختیارات کاملی است که در ارتباط با نوع و میزان اطلاعاتی که در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد، رأساً تصمیم بگیرد. در رویکرد پیشنهادی خبرگان، چارچوب‌ها و اصول توسط مقررگذار و استاندارگذار تعیین می‌شود و تهیه‌کنندگان موظف‌اند در دامنه چارچوب‌ها و تحت اصول تعیین شده اطلاعات قسمت‌های عملیاتی خود را در صورت‌های مالی خود ارائه نمایند. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان رویکرد میانه از عدم امکان ارائه یک بخش‌بندی واحد برای تمامی بانک‌ها نشأت می‌گیرد. به عنوان نمونه نقل قول زیر ارائه می‌شود:

"تقسیم‌بندی بهینه در یک سطح بالاتر باید تعریف بشود چون اگر این طوری نباشد قابلیت مقایسه و سودمندی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان از بین خواهد رفت. چون هر شخص برای هر سازمان یا هر بانکی در صنعت بانکداری باید به شکل متفاوت بررسی بکند و نگاه کند که این یک مقدار مشکل ایجاد می‌کند."

در نهایت هم اینکه برخی خبرگان بر این اعتقاد و باور هستند بانک مرکزی به عنوان مقام نظارت بانکی باید اصول، چارچوب و کلیات گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در بانک‌ها را تعیین نماید.

ه- پیامدها

پیامدها بیانگر نتایج و آثاری است که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در حقیقت در این قسمت از تحقیق و پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مشخص می‌شود که مجموع موجبات علی و راهبردهای اتخاذ شده به چه آثار و نتایج منتهی می‌شود. در این پژوهش، با توجه به جمیع جهات و بر اساس نظر خبرگان، پیامد اصلی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران؛ "ارتقای سودمندی گزارشگری مالی" است.

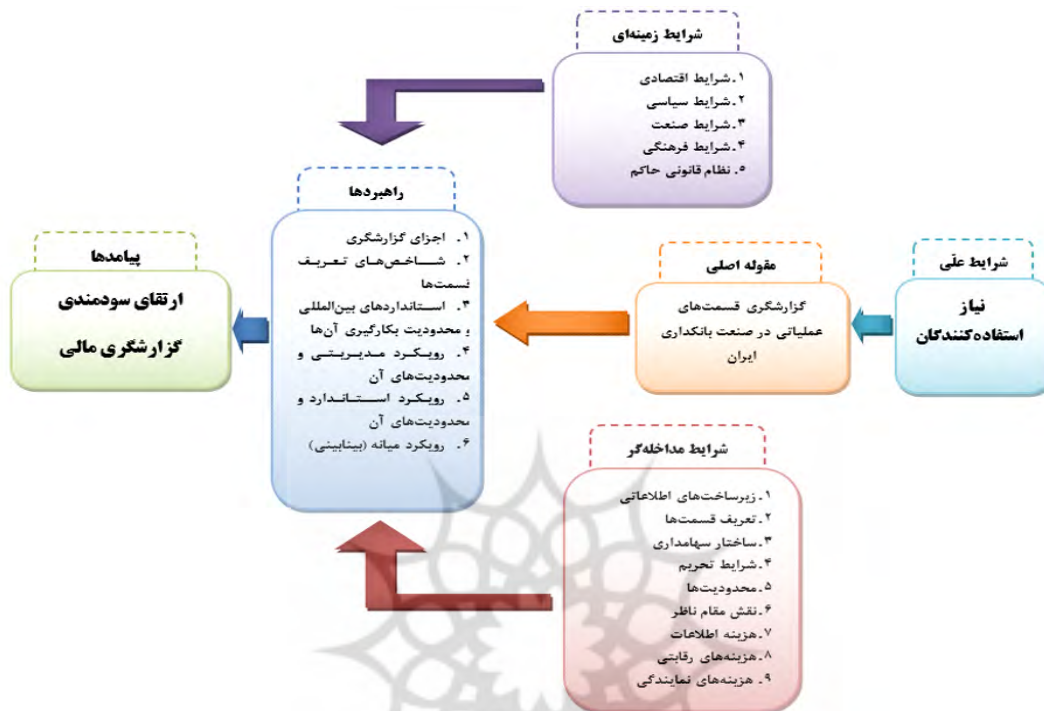
- **ارتقای سودمندی گزارشگری مالی**

اولین و شاید مهمترین پیامد گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران، ارتقای سودمندی گزارشگری مالی می‌باشد. این سودمندی که در راستای نیاز استفاده‌کنندگان از اطلاعات قسمت‌های عملیاتی شکل می‌گیرد به انحاء مختلف بروز پیدا می‌کند. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، مهمترین محورهای سودمندی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران شامل؛ تحلیل سودآوری، آسیب‌شناسی بحران، تحلیل ریسک تمرکز، ارزیابی مدیران، ارزیابی بخش‌ها، کمک به اتخاذ تصمیمات سهامداران و مدیران، ارزیابی نحوه تجهیز و تخصیص، پاسخگویی و اعاده حیثیت مدیران، ایجاد مراکز اختیار، افزایش قابلیت مقایسه و مسئولیت و ارزیابی ریسک سیاسی و کشوری می‌باشد.

- **الگوی پیشنهادی گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران**

با توجه به مطالب مطرحه قبلی، پس از ارزیابی اعتبار الگوی به دست آمده که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، به شرح ذیل ارائه می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منبع: یافته‌های پژوهشگر

یکی از مواردی که در ادبیات تحقیق بدان اشاره شده است، رابطه بین افشای اطلاعات قسمت‌های مختلف و هزینه سرمایه است. برای نمونه دیاموند و ورچیا (۱۹۹۱) نشان دادند که افزایش افشای مالی شرکت‌ها به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی با هزینه سرمایه رابطه معکوس دارد. همچنین ریچاردسون و ولکر (۲۰۰۱) در تحلیل خود به این نتیجه رسیدند که افشای مالی با هزینه سرمایه رابطه منفی دارد. به همین ترتیب، اسلی و اوهارا (۲۰۰۴) بیان داشتند که هزینه سرمایه تحت تأثیر میزان اطلاعاتی است که به صورت عمومی در دسترس سرمایه‌گذاران است. در پژوهش حاضر بر مبنای یافته‌های حاصله، به دلیل تکنیکال بودن سهامداران کشورمان از سویی و تضمین حداقل سود سپرده‌گذاران توسط بانک‌ها از سوی دیگر، به نظر می‌رسد هزینه سرمایه بانک‌های فعال در صنعت بانکداری ایران به عواملی غیر از اطلاعات قسمت‌های مختلف بستگی داشته باشد. طبق الگوی پیشنهادی نیاز استفاده‌کنندگان درون و برون‌سازمانی به اطلاعات قسمت‌های عملیاتی از جمله شرایط علی گزارشگری آن‌ها در صنعت بانکداری ایران می‌باشد. این موضوع به انحای مختلف در تحقیقات قبلی و بیانیه‌های مراجع استانداردگذار مورد تأکید قرار گرفته است. اپستین و پالیو (۱۹۹۹) بیان داشتند که

تحلیل‌گران مالی اطلاعات قسمت‌ها را از جمله مهم‌ترین اطلاعات گزارش سالیانه می‌دانند. طبق نظر انجمن مدیریت و تحقیقات سرمایه‌گذاری نیز گزارشگری قسمت‌ها برای فرآیند تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری، حیاتی، ضروری، اساسی، حتمی و جامع است. بعلاوه به موجب بخش اول بیانیه رویه استانداردهای حسابداری شماره ۲۵ (اهداف اطلاعات قسمت‌ها)، گزارشگری قسمت‌ها به منظور کمک به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی جهت کسب نگرش بهتر در ارتباط با عملکرد گذشته شرکت و پیش‌بینی عایدات آتی مفید فایده است. همچنین، هوپ و همکاران (۲۰۰۸) اعلام داشتند که اجرای بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۳۱، ارزشگذاری درآمد داخلی و خارجی را بهبود داده است.

طبق نتایج این پژوهش یکی از راهبردهای پیشرو، اتخاذ رویکرد مدیریتی است که البته انتقادات جدی هم به آن وارد گردیده است. در ارتباط با این رویکرد برگر و هان (۲۰۰۳) بیان داشتند که رویکرد مدیریتی برای گزارش اطلاعات قسمت‌ها موجب بروز انتقادات زیادی شده است. برخی از این انتقادات عبارتند از: عدم وجود تعریف سود، عدم نیاز به رعایت ضوابط اندازه‌گیری اصول پذیرفته شده حسابداری یا استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ارائه ارقام قسمت‌ها، اختیار قابل توجه در تخصیص هزینه‌های داخلی و دادن فضای بیشتر به مدیریت برای دستکاری اطلاعات قسمت‌ها که منجر به کاهش قابلیت مقایسه اطلاعات قسمت‌ها بین شرکت‌ها در همان صنعت می‌شود. هوپ و همکاران (۲۰۰۸) مدارک تجربی ارائه می‌دهند که بعد از اجرای بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۳۱ که بر مبنای رویکرد مدیریتی تدوین شده است، برخی از شرکت‌ها اطلاعات عایدات مناطق جغرافیایی خود را گزارش نمودند که منجر به کاهش اطلاعات خصوصی دوره مزبور در شرکت‌های یادشده گردیده است. پل و لارگی (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که رویکرد مدیریتی با عدم قابلیت مقایسه بین شرکت‌ها مورد مصالحه قرار گرفته شده است. امانوئل و گارود (۲۰۰۲) هم ادعا می‌کنند که رویکرد مدیریتی می‌تواند منجر به دستیابی به سطح پایین‌تری از قابلیت مقایسه و مربوط بودن اطلاعات قسمت‌ها بشود.

همچنین در راستای شرایط زمینه‌ای معرفی شده در این تحقیق، امانوئل و گری (۱۹۷۸) معتقدند که برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی توجه به شرایط اقتصادی در تعیین قسمت‌های قابل گزارش از اهمیت زیادی برخوردار است. به بیان دیگر، قسمت‌های قابل گزارش باید ویژگی‌های متفاوتی در طول زمان داشته باشند؛ بنابراین قسمت‌ها باید بر مبنای واکنش به تغییرات شرایط اقتصادی گزارش شوند.

همچنین یکی از شرایط مداخله‌گر مذکور در این تحقیق، نحوه شناسایی قسمت‌ها بوده است. این موضوع همراستا با تحقیق امانوئل و گری (۱۹۷۸) است که اعلام داشتند که موضوع شناسایی قسمت‌ها باید بر اساس نکته نظرات هم تهیه‌کنندگان و هم استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی باشد.

در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که گرچه هزینه‌های رقابتی در صنعت بانکداری ایران موضوعیت دارد، لیکن به دلیل شرایط خاص حاکم بر این صنعت در ایران چندان قابل اعتنا نبوده و مزایای افشای اطلاعات قسمت‌ها بیش از هزینه‌های رقابتی است. در این ارتباط هیز و لاندلم (۱۹۹۶) عوامل گزارشگری قسمت‌های

مختلف در بازار رقابتی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که در بازارهای خیلی رقابتی، جایی که تفاوت بین شرکت‌ها بسیار اندک است، فعالیت‌های مختلف به صورت قسمت‌های جداگانه گزارش می‌شوند زیرا مزیت افشاء از هزینه‌های رقابتی بیشتر است. همچنین هریس (۱۹۹۸) معتقد است که شرکت‌های فعال در صنایع کمتر رقابتی به منظور محافظت از بازده‌های غیرطبیعی به تجمیع اطلاعات قسمت‌ها تمایل دارند.

همچنین در خصوص هزینه‌های نمایندگی که به عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر در این پژوهش معرفی شده است، برگر و هان (۲۰۰۷) بررسی نمودند که آیا تصمیم مدیران در ارتباط با تجمیع اطلاعات قسمت‌های مختلف به هزینه مالکانه یا نمایندگی مربوط می‌شود. بررسی‌های آن‌ها حاکی از وجود شواهدی قوی در تأیید فرضیه تمایل مدیران به عدم ارائه اطلاعات مربوط به قسمت‌های دارای بازده ناخوشایند نسبتاً پایین است. نتیجه تحقیق بنز و همکاران (۲۰۱۱) (نیز بیانگر این است که هم هزینه‌های مالکانه و هم هزینه‌های نمایندگی موجب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران برای شرکت‌هایی که قسمت‌های مختلف دارند می‌شود. برگر و هان (۲۰۰۷) بیان می‌کند که مدیران بسیاری تمایل دارند اطلاعات بد را از بازار پنهان کنند.

پیامد اصلی ارائه گزارشگری قسمت‌های عملیاتی در صنعت بانکداری ایران ارتقای سودمندی گزارشگری مالی برای استفاده‌کنندگان معرفی شد. این موضوع همراستا با تحقیق هوپ (۲۰۰۳) (می‌باشد. طبق یافته‌های وی، اطلاعات قسمت‌ها برای پایش و نظارت بر رشد قسمت‌های مختلف شرکت و ارزیابی ریسک مربوط به هر یک از این قسمت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که این مهم به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران برای به دست آوردن نگرش بهتر در خصوص عملکرد کلی شرکت و ارتقای صحت پیش‌بینی‌ها کمک می‌کند. همچنین راپپورت و لرنر (۱۹۶۹) (صحت پیش‌بینی عایدات را تحت دو شرایط متفاوت با یکدیگر مقایسه نمودند و نشان دادند که استفاده از اطلاعات قسمت‌ها در مقایسه با اطلاعات تجمیع شده منجر به پیش‌بینی بهتر می‌شود. کینی (۱۹۷۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که پیش‌بینی با استفاده از اطلاعات تقسیم‌بندی شده منجر به نتایج دقیق‌تری می‌شود. امانوئل و گری (۱۹۷۸) (بیان داشتند که طبق تحقیق ماتز (۱۹۶۸) (تحلیل‌گران مالی برای پیش‌بینی عایدات به اطلاعات تقسیم‌بندی شده درآمد به شدت وابسته هستند و تمایل دارند اطلاعات تلفیقی را در مواقعی احساس کنند که اطلاعات مورد افشاء برای پیش‌بینی به قدر کافی تقسیم‌بندی نشده را تقسیم‌بندی کنند. امانوئل و پیک (۱۹۸۰) (علاقه‌مند به ارائه دلایل تجربی در خصوص سودمند بودن اطلاعات قسمت‌ها در پیش‌بینی مجموع فروش و عایدات شرکت‌های فعال در بازار انگلیس بودند. مطالعه آن‌ها مستندات قوی در ارتباط با سودمندی اطلاعات قسمت‌های مختلف ارائه نمود. امانوئل و همکاران (۱۹۹۲) (نتیجه گرفتند که اطلاعات تقسیم‌بندی شده مطابق با ضوابط و مقررات افشاء منجر به خطای پیش‌بینی بسیار پایین‌تر بالاحص برای آن دسته از تحلیل‌گرانی که برآورد خود را تجدید کردند شده است.

• ارزیابی کیفیت الگو

از نظر استراوس و کربین، معیارهای ارزیابی روایی و پایایی خاص مطالعات نظریه داده بنیاد عبارتند از آنکه روش‌ها به روشنی بیان شده باشند که خوانندگان بتوانند آن‌ها را بسنجند. آنچه بیشتر از همه به این امر

کمک می‌کند آن است که تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها همزمان انجام شود. با توجه به مطالب عنوان شده، در این تحقیق سعی گردید موارد فوق جهت ارتقای کیفیت تحقیق رعایت شود. همچنین به منظور ارزیابی کیفیت مدل به دست آمده در کدگذاری‌ها، تئوری به دست آمده به دو نفر از مشارکت‌کنندگان و خبرگان ارائه و نظرات تکمیلی آن‌ها دریافت، اعمال و مورد تأیید قرار گرفت.

فهرست منابع

- (۱) استاندارد حسابداری شماره ۲۵، "گزارشگری بر حسب قسمت‌های مختلف"، سازمان حسابرسی.
- (۲) اسکافی اصلو فرزانه حیدر پور فرزانه، (۱۴۰۰)، "طراحی مدلی برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (۴۹)، صص ۲۳۳-۲۵۷.
- (۳) بخشنامه شماره ۹۴/۳۴۳۷۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵، "ابلاغ نسخه نهایی صورت‌های مالی نمونه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری"، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، <https://cbi.ir/category.aspx?3719>.
- (۴) بولو، قاسم، "استاندارد حسابداری شماره ۲۵، بی‌فایده یا فراموش شده؟"، روزنامه دنیای اقتصاد. ۱۳۸۸/۶/۱۵.
- (۵) فراست خواه مقصود، (۱۳۹۵)، "روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی"، تهران: انتشارات آگاه، چاپ پنجم.
- (۶) طاهری عابد، علی نژاد سارو کلایی و فغانی ماکرانی، (۱۳۹۹)، "تأثیر خودشفیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۴۸)، صص ۷۱-۹۴.
- (۷) غلامرضایی، محسن، (۱۳۹۵)، "گزارشگری مالی قسمت‌های عملیاتی بانک‌ها بر مبنای IFRS ۸"، مجله حسابداری، شماره ۲۹۸، صص ۱۳-۱۵.
- (۸) هاشمی بهرمان و پورزمانی، (۱۳۹۹)، "تأثیر سبک‌های تصمیم‌گیری بر گزارشگری مالی متقلبانانه (رویکرد مدل یابی ساختاری)"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۴۷)، صص ۷۷-۹۲.
- (۹) یوسفی اصل، فرزانه، فرزانه ملانظری و غلامرضا سلیمانی امیری، (۱۳۹۳)، "تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی"، پژوهش‌های تجربی حسابداری (۲)، ۴.
- 10) Al-Ameri, I. A. S. (2016), "Implications of IFRS 8 Adoption on UK Listed Companies' Disclosure Practices and Earnings' Predictive ability".
- 11) Aleksanyan, M., & Danbolt, J. (2015), "Segment Reporting: Is IFRS 8 Really Better?", *Accounting in Europe, Vol. 12*(No. 1), PP.7-60.
- 12) Baldwin, B.A. (1984), "Segment Earnings Disclosure and the Ability of Security Analysts to Forecast Earnings per Share", *Accounting Review*, 59(3), PP.376-389.
- 13) Birt, Jacqueline, Mahesh Joshi, and Michael Kend. (2017), "Segment Reporting in a Developing Economy: the Indian Banking Sector." *Asian Review of Accounting*.

- 14) Brown, Rodney J., Bjorn N. Jorgensen, and Peter F. Pope. (2019), "The Interplay between Mandatory Country-by-country Reporting, Geographic Segment Reporting, and Tax Havens: Evidence from the European Union", *Journal of Accounting and Public Policy* 38, 2 , PP. 106-129.
- 15) Bui, Long T., Michel Magnan, and Rucsandra Moldovan. (2021), "Financial Analysis in Banking: The Challenge of Segment Reporting", *Accounting Perspectives*.
- 16) De George, E. T., Li, X., & Shivakumar, L. (2016), "A Review of the IFRS Adoption Literature", *Review of accounting studies*, PP. 1-107
- 17) Demski, J.S. (1973), "The General Impossibility of Normative Accounting Standards", *The Accounting Review*, 48(4), PP.718-23.
- 18) Doupnik, T. S., & Seese, L. P. (2001), "Geographic Area Disclosures under SFAS 131: Materiality and Fineness", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Vol. 10*, PP. 117-138.
- 19) International Accounting Standards Board (IASB). (2015), "*International Financial Reporting Standard (IFRS 8)*", *Segment Reporting*. Retrieved from eIFRS: <http://eifrs.ifrs.org/eifrs/PdfAlone?id=14469&sidebarOption=UnaccompaniedIfrs>
- 20) Leung, E., & Verriest, A. (2015), "The Impact of IFRS 8 on Geographical Segment Information", *Journal of Business Finance & Accounting, Vol. 42*(No. 3 & 4), PP. 273-309
- 21) Leuz, C. (2004), "Proprietary Versus Non-proprietary Disclosures: Evidence from Germany", PP. 1-45.
- 22) Leuz, C. (2010), "Different Approaches to Corporate Reporting Regulation: How Jurisdictions Differ and Why", *Accounting and Business Research, Vol. 40*(No. 3), PP. 229-256.
- 23) Mardini, Ghassan H., Yasean A. Tahat, and David M. Power. (2018), "The Extent of Segmental Reporting and Its Value Relevance: Cross-country Evidence", *Journal of Accounting in Emerging Economies*.
- 24) McGregor, S., Littleford, D., & Tomlinson, S. (2010), "*The Application of IFRS: Segment Reporting*. London: KPMG International.
- 25) Lisa Hinson, Jennifer Wu Tucker, Diana Weng, (2019), "The Tradeoff between Relevance and Comparability in Segment Reporting", *Journal of Accounting Literature*, Vol. 43, 2019, PP. 70-86.
- 26) Pardal, P. N., & Morais, A. I. (2011), "Segment Reporting under IFRS 8 - Evidence from Spanish Listed Firms", XVI Congreso Aeca "Nuevo modelo económico: Empresa, Mercados y Culturas", pp. 1-24.
- 27) Pascal Barneto, Stéphane Ouyard, (2015), "Is the Firm's Business Model Related to Segment Reporting?", *Research in International Business and Finance*, Vol. 35, PP. 122-137.
- 28) Steman, J., (2016), "The Post Adoption Impact of IFRS 8 on Segment Disclosure Quality: Evidence from European and Australian Listed Firms (Master's thesis, University of Twente)".
- 29) TRAN, Quoc Thinh, Ngoc Khanh Dung NGUYEN, and Xuan Thuy LE, (2021), "The Effects of Corporate Governance on Segment Reporting Disclosure: A Case Study in Vietnam", *The Journal of Asian Finance, Economics and Business* 8.4 , PP. 763-767.

Abstract

Segment Report Patterning in Iranian Banking Sector

Seyyed Aliakbar Miremadi¹
Javad Rezazade²
Behrouz Khodarahmi³

Received: 06/ January /2021 Accepted: 08/ March /2022

Abstract

Operational segment reporting is one of the essential and vital parts of financial reporting. This information is useful for both Intra and extra-organizational consumers. So far, in operational segment reporting two main and important approaches called risk and return approach and management approach have been considered by researchers and the body of standard committee. Each of these two approaches has had its supporters and critics. Due to these criticisms and weaknesses, the mentioned models, especially in the Iranian banking industry, do not meet the needs of their users. Therefore, the purpose of this study is to design and present a model for the operational segments reporting of the Iranian banking industry according to the economic environment as well as market and business conditions of this industry. Samples are selected from provider, users and also supervisors of the banking industry. The number of samples is also tested based on theoretical saturation criteria. Finally, the analysis of research findings has led to the design of a model in which users' need are introduced as a causal variable and operational segment reporting of the Iranian banking industry as a central point. Due to the underlying and intervention conditions and leading strategies, promoting the usefulness of financial reporting in the banking industry has been introduced as a consequence of the designed model. The results of this study can be an appropriate basis for the body of standard committee and regulators in order to formulate how to disclose information of operational segments in the Iranian banking industry.

Keywords: Segment Reporting, Banking Industry of Iran, Grounded Theory

1 Departmen of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

E-mail: miremadi.aliakbar@gmail.com

2 Departmen of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Corresponding Author.

E-mail: j.rezazadeh@modares.ac.ir

3 Department of Management and Technology Development, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

E-mail: bkhoda@modares.ac.ir